

«...دعواهای ما دعوائی نیست که برای خدا باشد
... همه ما از گوشمان بیرون کنیم که دعوی ما برای
خدا است ما برای مصالح اسلامی دعا می‌کنیم...
دعوی من و شما و همه کسانی که دعا می‌کنند همه
برای خودشان است...»

امام خمینی (ره) - صحیفه امام، جلد ۱۴ صفحه ۴۷۹



تفسیر «المیزان»
حیات جدیدی
در جامعه دمید



سال سی و چهارم ♦ شماره ۲۲ ♦ شماره مسلسل ۱۴۶۹ ♦ نیمه اول اسفند ماه ۱۳۹۲ ♦ قیمت: ۵۰۰ تومان

تروریسم از دیدگاه حقوق بین‌الملل و اسلام

آیت الله سید محمد موسوی بجنوردی

در زمان انقلاب فرانسه ترور با اندیشه تثبیت دموکراسی در پیوند بوده است. اما پس از انقلاب فرانسه، رشد ایدئولوژی‌هایی چون مارکسیسم و کمونیسم که خود واکنشی به سرمایه‌داری ناشی از انقلاب صنعتی بودند، تروریسم را به معنای امروزی نزدیک‌تر کرد. ترور تزار روس در ۱۸۸۱ و ترور رئیس‌جمهور آمریکا، ویلیام مکی‌نلی، در ۱۹۰۵ با این پشتوانه انجام شد. بنابراین در این دوره مشخصات تروریسم علاوه بر فردی بودن، ضدحکومتی یا آناشسی طلب بودن آن است؛ به نحوی که برخلاف نظام ترور در انقلاب فرانسه در این دوره، از ترور نه برای تثبیت و استقرار حکومت بلکه به منظور ایجاد چنین حکومتی از طریق تضعیف حکومت‌های مستقر استفاده شده است. با وجود ذکر قرن هجدهم به عنوان قری که در آن واژه تروریسم رسماً مورد استفاده قرار گرفت، باید تاریخچه تروریسم را با تاریخ بشریت عجین دانست. از تاریخی که بشر دریافت که می‌تواند با ایجاد رعب و وحشت در میان مردم به اهداف سیاسی - اجتماعی خود دست یابد، تروریسم به وسیله‌ای در دست گروه‌های امنیت سیاسی، قومی، نژادی و غیره تبدیل شد. قتل شاه الکساندر پادشاه یوگسلاوی و لویی بارت، وزیر خارجه وقت فرانسه، در دهه سی قرن بیستم را باید نقطه عطفی در حرکت جامعه بین‌المللی در برخورد با این پدیده تلقی کرد. ترورهای مذکور، شورای جامعه ملل را وادار به صدور قطعنامه‌ای در این مورد کرد. صدور این قطعنامه نشانگر خلاء حقوقی برای مبارزه با تروریسم بود. پس از اقدامات لازم در سال ۱۹۳۷ کنوانسیون ضدمجازات تروریسم توسط شورای جامعه ملل تصویب شد، اما با وجود این، لازم الاجرا نشد؛ به نحوی که امروزه کنوانسیون مذکور عقیم مانده است. با افزایش اقدامات تروریستی در دهه ۱۹۷۰، سازمان ملل متحد بار دیگر توجه خود را به این مساله معطوف کرد. مجمع عمومی بنابر توصیه کمیته ۶ تصمیم گرفت کمیته‌ای موقت (متشکل از ۳۵ عضو) درخصوص تروریسم ایجاد کند. این کمیته نیز موفق به ارائه تعریفی از تروریسم نگردید. با توجه به اینکه جامعه بین‌المللی نتوانست بر سر ارائه تعریفی جامع از کلیه اشکال تروریسم توافق کند، تلاش‌های صورت گرفته بدین سمت سوق داده شد که به تدریج با اشکال خاصی از اعمال تروریستی مبارزه شود که امکان حصول توافق بر سر آن راحت‌تر بود. حرکت آهسته جامعه بین‌المللی در چهارچوب برخورد با تروریسم، با اعمال تروریستی ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ ایالات متحده سرعت بیشتری به خود گرفت؛ به گونه‌ای که از طرفی، شورای امنیت با تشدید فعالیت‌های سازمان ملل متحد، گام بزرگی در جرم‌انگاری و مجازات تروریسم برداشت. از طرف دیگر، مجمع عمومی نیز با تأسیس یک کمیته ویژه به تدوین کنوانسیون جامع ضدتروریسم پرداخت.

مفهوم و ترمینولوژی تروریسم

واژه تروریسم از فعل «ترور» (terror) مشتق شده است که در لغت به معنای «ایجاد رعب و هراس در بین مردم» یا «مرعوب ساختن دیگران» است. ناتوانی دولت‌ها در دستیابی به تعریف مشترک از تروریسم چالشی بزرگ در برابر طرح ملی و بین‌المللی مبارزه با تروریسم محسوب می‌شود. این عدم دستیابی ناشی از عوامل متعددی، همچون عوامل ملی و سیاسی است؛ عواملی که بسیار پیچیده و متنوعند. این عوامل ریشه در شناخت تاریخی و باورهای مذهبی و گرایش‌های اجتماعی ملت‌هایی دارند که هر یک در برابر تعاریف پیشنهادی ملت‌های دیگر مقاومت می‌کنند. از جنبه بین‌المللی، ابتدا باید دید که ارکان و نهادهای ملل متحد در طی نیم قرن مبارزه با تروریسم چگونه عمل کرده‌اند و چه مفاهیمی از آن را برجسته کرده و مورد توجه قرار داده‌اند. از این نظر، توجه به ۱۳ کنوانسیون ضدتروریسم که با همت ملل متحد به تصویب رسیده، راهنمای ارزنده‌ای است.

انواع تروریسم

در بحث تفکیک موضوعات تروریسم دو نوع تقسیم‌بندی داریم:

- ۱) تفکیک تروریسم داخلی از تروریسم بین‌المللی (۲) تفکیک تروریسم فردی از دولتی
 - ۱) تروریسم داخلی و تروریسم بین‌المللی
- امروز به واسطه جهانی شدن هرچه بیشتر ارتباطات و همگانی شدن تکنولوژی چنین ارتباطاتی، مرز میان تروریسم داخلی و تروریسم بین‌المللی بسیار باریک شده است. با این حال، بسته به اینکه عمل تروریستی در ارتباط با یک کشور و توسط گروه مخالف داخلی آن کشور رخ دهد یا نه، تروریسم واجد جنبه داخلی یا بین‌المللی خواهد شد. تروریسم داخلی، تروریستی است که بدون دخالت عنصر خارجی و صرفاً در ارتباط با یک کشور به وقوع می‌پیوندد. در مقابل، تروریسم بین‌المللی هنگامی به وقوع می‌پیوندد که در جرم عنصر خارجی یافت شود.

ادامه در صفحه ۶

آیت الله اراکی:

هیچ جامعه ای جز در سایه اطاعت از خداوند به وحدت نمی رسد



دکتر ابراهیمی ترکمان تأکید کرد استحکام پیوند ایران و افغانستان بوسیله اسلام و ارزش‌های دینی



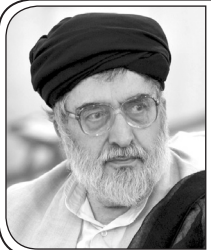
دختر امام موسی صدر:

امام موسی صدر کسی بود که در برابر اسرائیل موضع عملی گرفت



بنیان گذار حسینیه ارشاد کیست؟

استاد سید هادی خسروشاهی

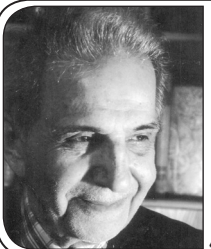


دکتر لاریجانی:

دشمنان به دنبال ایجاد شرایطی برای فراموشی مساله فلسطین هستند



نقد و نظری بر تازه ترین کتاب منتشر شده استاد دکتر حسین رزمجو



وزیر ارشاد در مراسم معارفه رئیس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ایران:

فرهنگ ایران، مدیون تلاش‌های دکتر مهدی محقق است

او ادامه داد: کارنامه آثار و مفاخر ایران اسلامی کارنامه‌ای فرهنگی است به قامت انسان. انجمن آثار و مفاخر فرهنگی نیز نهادی است که حفظ آثار این فرهنگ پیشرو و معرفی چهره‌های تابناک آن را برعهده دارد. انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ایران در جایگاه دیرپاترین نهاد علمی و فرهنگی و پیشینه‌ای بیش از ۹۰ سال خدمت، استانی فرهیخته



آیین معارفه دکتر مهدی محقق، به‌عنوان رئیس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، دوشنبه، ۲۱ بهمن‌ماه، با حضور علی جنتی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، برگزار شد. در این مراسم علی جنتی از نگرانی‌اش برای انجمن آثار و مفاخر فرهنگی در ماه‌های گذشته، سخن گفت.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی گفت: برای

من توفیق و افتخار است که امروز در جمع شما استادان، فرهیختگان و مفاخر کشور و همکاران عزیزمان حضور پیدا کنم. در جمع فرهیختگان صحبت کردن برای امثال بنده کار مشکلی است. وقتی ما از انجمن آثار و مفاخر فرهنگی صحبت می‌کنیم خواه ناخواه چهره‌های آشنا و برگ‌های زرین پرشماری از فرهنگ، دانش و اندیشه اسلامی پیش چشممان نقش می‌بندد.

او افزود: کارنامه مفاخر فرهنگی ایران فصلی درخشان از تاریخ انسانی است. سهم دانشمندان و هنرمندان این سرزمین در توسعه فرهنگ و تمدن بر کسی پوشیده نیست. از علت‌های اساسی پیشرفت‌های فرهنگی کشور ما، بی‌شک فرهنگ اصیل اسلامی ماست که با تشویق مسلمانان به خردورزی و ترویج نشاط علمی صورت گرفته است. اسلام روح اعتدال را جانشین تعصبات دنیای باستانی کرد و روح تازه‌ای در جهان علم و فرهنگ دمید.

آقای جنتی همچنین عنوان کرد در پرتوی چنین فرهنگی، شوق معرفت‌جویی و حس تحقیق، قلمروی ایران اسلامی را کانون انوار دانش کرد و آمادگی ایرانیان برای فراگیری و نشر علوم در پرتو پیام پیامبر اکرم(ص) درباره‌ی دانش اندوزی شروع یک تخصص علمی را موجب شد.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در ادامه با تشریح تجربیات دانشمندان ایرانی در زمینه‌های طب، ریاضیات، نجوم، فیزیک، جغرافیا و تاریخ، عنوان کرد: شاعرانی چون سنایی، عطار، ناصر خسرو، خیام و بسیاری از شاعران دیگر در ادبیات جهان تأثیری عمیق و معنادار نهادند با چنین پشتوانه عظیمی، جهان به مفاخر ایران و اسلام و آثار ماندگار آنها مدیون است.

به خود دیده که همه از دست فرزندی گذشته‌اند و به گنجینه‌ی ذخایر فرهنگی افزوده‌اند. این انجمن مانند ساختمان آن اصل و دیرپا است و وظیفه‌ای خطیر برعهده دارد. این انجمن در طول زمان فراز و فرودهای بسیاری بر خود دیده است اما جان مایه اصلی آن همواره پاسداشت آثار اثرگذار علمی و پدیدآورندگان او بوده است که یکی از آنها جناب دکتر محقق است که بسیاری از اهل فضل افتخار شاگردی ایشان را دارند.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی سپس گفت: برای من مایه افتخار است که سکان انجمن آثار و مفاخر فرهنگی را به یکی از بزرگان عرصه علم و معرفت می‌سپارم و به سهم خویش از دیدار شما استادان، فرهیختگان و بزرگان بهره‌مند می‌شوم. استادان انجمن پس از انقلاب فصل نوینی گشودند که دکتر محقق از سرآمدان این عرصه است که بر تراز وزانت این انجمن افزوده است. هرچند این مجلس برای پاسداشت مقام علمی این استاد عزیز برگزار نشده است اما لازم می‌دانم در مظهر استادان مقام ایشان را گرامی بداریم.

او ادامه داد: تاریخ معاصر به خود می‌بالد که چنین دانشمندی را پرورانده است و در راس انجمن دیده است. استادی که هم به ادبیات فارسی احاطه دارد، هم به ادبیات عرب و هم به زبان انگلیسی می‌خواند و می‌نویسد، هم تاریخ و هم طب اسلامی را به خوبی می‌شناسد و کتاب‌هایش به زبان‌های مختلف ترجمه شده‌اند. فرهنگ این کشور تا حدود زیادی مدیون تلاش‌های اوست. اکنون با اطمینان خاطر ریاست انجمن را به کسی می‌سپاریم که از چهره‌های ماندگار کشور ماست گرچه این مثنوی تا اندازه‌ای تأخیر شده بود.

ادامه در صفحه ۸

دکتر ابراهیمی ترکمان تاکید کرد استحکام پیوند ایران و افغانستان بوسیله اسلام و ارزش‌های دینی

رییس سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی گفت: اسلام و ارزش‌های دینی و اعتقادی، رشته پیوندهای تاریخی و فرهنگی را آن چنان مستحکم کرده است که گسستی نیست.

دکتر ابودر ابراهیمی‌ترکمان در آیین اختتامیه نخستین جایزه کتاب بلخ اظهار کرد: برگزاری جایزه کتاب بلخ، حرکتی ارزشمند و مایه امیدواری است و گامی مهم در راستای تقویت تعاملات فرهنگی بین دو کشور دوست و همسایه جمهوری اسلامی ایران و جمهوری افغانستان به‌شمار می‌رود. برگزاری این جایزه در واقع، نشانگر توجه خاص ایران به مقوله فرهنگ و ادب بوده و نویدبخش فصل نوینی در توسعه روابط فرهنگی دو کشور است.

وی ادامه داد: مشترکات فرهنگی ایران و افغانستان به اندازه‌های ریشه‌دار و مستحکم است که همچون روحی واحد در پیکره دو کشور دمیده شده است. این رابطه و پیوستگی در تعاملات فرهیختگان دو کشور بروز یافته و نمود این موضوع در فراوانی آثار فرهنگی تالیف شده توسط اندیشمندان دو کشور مشاهده می‌شود.

وی افزود: برای نمونه، مرحوم دکتر محمود افشار یزدی پس از تالیف کتاب «افغان‌نامه» به صراحت اعلام کرد که بعد از علاقه به وطنم ایران، هیچ کشوری را به اندازه افغانستان دوست ندارم و بعد از افغانستان پاکستان را دوست دارم. وی در جایی دیگر گفت که ادبیات و شعر از امور معنوی و مشترک است. وحدت ادبی و فرهنگی غیر از وحدت سیاسی است که هر ملتی جداگانه برای خود دارد.

به گفته رییس سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، افغانستان بدون تردید بخش مهمی از فرهنگ ایرانی و زبان و ادبیات فارسی است. زبان پهلوی اشکانی در خراسان بزرگ که قسمتی از آن همین افغانستان است، به عرصه رسیده و جای خود را به پهلوی ساسانی داده است. زبان دری که همین فارسی فصیح کنونی باشد، از سغد و سمرقند و بخارا و بلخ سرچشمه گرفته و در بلخ و غزنه افغانستان توسعه یافته است. از روزگاران گذشته، افغانستان و ایران افتخارات مشترکی داشته‌اند.

وی با بیان این که همکاری‌های فرهنگی و ارتباطات فکری و ادبی بین کشورهای فارسی‌زبان از مهمترین ضرورت‌ها گسترش است، گفت: در سال‌های گذشته هم تلاش‌هایی برای همگرایی‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی در بین سه کشور ایران، تاجیکستان و افغانستان انجام شده است. آمینوارم ایجاد سازمان فرهنگی و هنری مشترک نقطه عطفی در مسیر توسعه همگرایی بین سه کشور هم فرهنگ و هم زبان باشد.

رییس سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی تاکید کرد: گسترش و تقویت روابط میان ایران و افغانستان در زمینه‌های سیاسی و اقتصادی جز از مجرای دیپلماسی فرهنگی که مسیری مطمئن و پایدار برای افزایش همگرایی است، ممکن نخواهد شد. در دیپلماسی فرهنگی؛ زبان و ادبیات فارسی نقش اصلی را دارد و در این زمینه ترجمه و نشر آثار ادب فارسی و تعاملات ادبی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، چرا که هیچ زبانی در جهان بدون نگارش نمی‌تواند به حیات خود ادامه دهد و قلمرو خود را گسترش بخشد. این حقیقتی انکارناپذیر است که برای زنده نگاه داشتن زبان و ادبیات فارسی باید گفت‌مان و تولید فرهنگی داشت.

ترکمان در پایان گفت: ایده برگزاری جایزه بلخ، اقدامی نمادین از سوی ایران به پاس احترام به گستره روابط فرهنگی دو کشور و حافظ میراث معنوی و فرهنگی دو ملت بزرگ ایران و افغان است.

برگزیدگان نخستین جایزه کتاب بلخ



فکرت

«گفت‌مان جهانی شدن و اسلام سیاسی در افغانستان پس‌اطالبان» نوشته عبدالقیوم سجادی،

«گل سرخ دل‌افگار» نوشته محمدجواد خاوری
«تاریخ گردآوری، نشر و پژوهش افسانه‌های مردم فارسی‌زبان» نوشته روشن رحمانی

«هزاره‌های افغانستان» نوشته عسکر موسوی با ترجمه اسدالله شقایب

«هم‌زبانی و بی‌زبانی» نوشته محمدکاظم کاظمی
هم چنین در این مراسم از خانواده شهید احمدرضا سعیدی که مستند به کوشش محمد سرور رجبی با عنوان «ماموریت خدا» نیز تولید شده و در این مراسم نمایش داده شد، تجلیل شد.

خرید ۱۰۰ جلد کتاب از ناشران آثار برگزیده جایزه کتاب بلخ

مدیر انتشارات الهدی اظهار امیدواری کرد تا با همکاری معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از ناشران آثار برگزیده نخستین جایزه کتاب بلخ ۱۰۰ جلد کتاب خریداری شود.

امین متولیان در آیین اختتامیه نخستین جایزه کتاب بلخ برگزار شد، اظهار کرد: چندی پیش و همزمان با اوج گرفتن فعالیت همکارانم در خطه شریف افغانستان مقاله و نوشته‌ای از پژوهشگر فرهیخته محمد امین زواری را می‌خواندم که تاملی بود نمادشناختی در نام‌های بلخ باستانی که در شاهنامه ذکر و درج شده است. این مقاله بهانه‌ای شد برای خلق این ایده که این بار نام بلخ را نمادی

حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر احمدی:

تفسیر «المیزان» حیات جدیدی در جامعه دمید

می‌شود و تا سطوح پیچیده‌تر جامعه ادامه پیدا می‌کند و هرچه جامعه پیچیده‌تر می‌شود، این نیاز افراد به همدیگر پیچیده‌تر و مستحکم‌تر می‌شود.

وی در مورد چگونگی اداره چنین جامعه به هم پیوسته‌ای، بیان کرد: علامه معتقدند که در گذشته رؤسای قبایل افراد قبیله را اطراف خود جمع می‌کردند و پادشاهان به تنهایی و با تکیه بر قدرت و با زور و به شکل استبدادی بر جوامع حاکم بودند، اما در اسلام این‌گونه نیست. ایشان این سخن را در زمان طاغوت می‌زند که پادشاهی بر این کشور حاکم بوده است و ایشان این‌ها را نمونه استبداد می‌دانند و می‌فرماید که در اسلام این‌گونه نیست.

حجت الاسلام احمدی ادامه داد: علامه می‌گوید که اسلام همه را برابر می‌داند و با این نگاه، مسئله حکومت استبدادی و شاهنشاهی و به تعبیر ایشان امپراطوری، این‌ها همه کنار می‌رود. حال این که حکومت در اسلام چگونه است، ایشان می‌فرماید همه مردم برابرند و همه آزادند و حق رأی دارند.

این عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی با اشاره به این نظر که در زمان غیبت نمی‌توان حکومت اسلامی تشکیل داد، بیان کرد: تا زمان پیامبر(ص) که خود ایشان حکومت داشته‌اند و بعد از آن هم که ائمه(ع) حضور داشته‌اند، اما در مورد دوره غیبت اختلاف نظر بوده است و حتی در زمان مشروطه میان علمای نجف این اختلاف بود که حکومت از آن امام معصوم(ع) است و ما حتی در مورد آن نداریم و الان هم متأسفانه عده‌ای همین نظر را دارند.

دکتر احمدی با اشاره به برخورد امام(ره) با این افراد، گفت: دلیل امام(ره) این بود که مگر می‌شود احکام اسلام را متوقف کرد و آیا دینی را که سیاست دارد، حکم دارد، قضاوت دارد، تعزیرات دارد، این را رها کنیم؟ این تعبیر را خود من شنیدم

برای فعالیت فرهنگی مشترک میان سرزمین افغانستان و ایران برگزینیم.

وی ادامه داد: تمرکز موسسه الهدی روی محور کتاب و نشر اقتضا می‌کرد تا این فعالیت ذیل مقوله کتاب و نشر را نگارش سامان یابد. مجموع این بهانه‌ها و ایده‌های ذهنی تبدیل به طراحی جایزه‌ای به نام جایزه «کتاب بلخ» شد تا ضمن اشاعه نمادین به خطه تمدنی که مهد و مولد بسیاری از میراث‌های فرهنگی و تولید اسلامی درجه یک ملت شریف افغانستان و ایران است، جنبشی را در میان محققان و نویسندگان و ناشران ایرانی پدید آورد تا این افراد ظرفیت‌ها و ظرفیت‌های نهفته در زیست سیاسی، مذهبی، فرهنگی و اجتماعی خطه افغانستان را با همت و وسعتی دو چندان موضوع تحقیق و تالیف خود قرار دهند.

وی با اشاره به شکل‌گیری دبیرخانه جایزه در موسسه الهدی، اعلام فراخوان این جایزه و انتخاب ۲۵ اثر برگزیده، افزود: موضوع جایزه کتاب بلخ شناسایی و انتخاب کتاب‌های منتشر شده در دوره حیات طیبه جمهوری اسلامی ایران است که به یکی از موضوعات سیاسی، مذهبی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، ادبی و هنری سرزمین و ملت شریف افغانستان پرداخته‌اند. امید که در دوره‌های آتی این جایزه وجه دو سویه بیابد و آثار نشر شده از افغانستان نیز که به ایران پرداخته‌اند موضوع این جایزه قرار بگیرند.

مدیر انتشارات الهدی درباره بازه بررسی آثار نیز اظهار کرد: آثار منتشر شده از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۹۰ در این دوره بررسی شده‌اند و با این فرض که این جایزه دوسالانه است، بررسی آثار سال‌های ۹۰ به بعد به دوره بعدی واگذار می‌شود.

وی همچنین عنوان کرد: تعداد ۵۰۰ کتاب طی مکانسیم‌های مختلف و در حد توان دبیرخانه شناسایی و جمع‌شد و از سوی دیگر، تکرر و تنوع موضوعات و گستره آن‌ها سبب شد که شورای علمی آثار منتخب را در حوزه‌های مختلف مستقل و فارغ از رتبه آن‌ها برگزیند و مشخص کند.



وی این استدلال را یک استدلال لبی خواند و اظهار کرد: این استدلال نیاز به دلیل دیگری ندارد و بیان کننده این است که ما دینی داریم که احکام و سیاست دارد و نمی‌شود که این احکام و سیاست زمین بماند و گرنه جامعه جامعه اسلامی نخواهد بود؛ بنابراین نیازمند حکومت دینی هستیم، چرا که این احکام نمی‌تواند بی‌سرپرست باشد و اجرای آن‌ها را متوقف کرد.

حجت الاسلام والمسلمین احمدی با بیان این که علامه طباطبایی نیز عیناً همین نظر را دارد، اظهار کرد: نظر علامه طباطبایی این است که باید حکومت تشکیل داد و البته در مورد این که این حکومت چگونه باید باشد، آزادی به چه شکل باید باشد و رییس این حکومت چگونه باید باشد، ایشان بحث بسیار خوبی در باب حریت دارد و این که هیچ کس را نمی‌شود اجبار کرد، اما آزادی هم این نیست که هرکس بخواهد اصول را انکار کند، بلکه افراد می‌توانند در یک نظام گسترده حق اظهار نظر داشته باشند و یک حاکم عادل خوب برای خود انتخاب کنند. این نظر در صفحه ۱۲۲ جلد چهارم از تفسیر المیزان آمده است و دوستان این قسمت را ببینند. وی افزود: البته ایشان وارد جزئیات نشده است، اما به صورت کلی فرموده است که باید حکومتی اسلامی تأسیس کرد و داشت و بر اساس آن احکام اسلام را پیاده کرد. این توافق و یا به هم پیوستن و ارتباطی است که بین نظر ایشان و نظر حضرت امام در باب حکومت برقرار است و وجود دارد.

متأسفانه تلاش ها رضایت بخش نیست و یک همت بالا برای وضعیت امام موسی صدر نیاز است.

خانم حورا صدر با بیان خاطره ای از امام موسی صدر، خاطرنشان کرد: یک بار از ایشان درباره برتری پیروان ادیان آسمانی، سوالی پرسیدم که او با قرائت این آیه شریفه: «إِنَّ الدِّينَ أَمْنًا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالنَّصَارَى وَالصَّابِئِينَ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» تاکید کردند که کسانی که ایمان آوردند و کسانی که آیین یهودان و ترسایان و صابئان را، برگزیدند، اگر به خدا و روز بازپسین ایمان داشته باشند و کاری شایسته کنند، خدا به آنها پاداش نیک می دهد و نه بیمناک می شوند و نه محزون، پس به کرامت نفسانی انسان ها احترام بگذار فارغ از دینی که برگزیده اند.

رییس دانشگاه ادیان و مذاهب

امام موسی صدر، صد سال جلوتر بود



در سالروز حضور و سخنرانی تاریخی امام موسی صدر در کلیسای بیروت، نشست علمی امکان اخلاق و آسیب شناسی گفتگوی ادیان، در دانشگاه ادیان و مذاهب قم برگزار شد.

حجت الاسلام والمسلمین ابوالحسن نواب، در این نشست درباره شخصیت تاثیرگذار امام موسی صدر، گفت: ایشان انسان بزرگی بود و در حقیقت علت اصلی ایجاد دانشگاه ادیان نیز تأثیرات وجودی این عالم وارسته است.

رییس داشگاه ادیان و مذاهب، امام موسی صدر را پدر معنوی این دانشگاه خواند و افزود: این عالم شیعی پدیده و معجزه ای بود که صد سال از زمان خود جلوتر بود.

وی درباره ارتباط امام موسی صدر با پیروان دیگر ادیان، تصریح کرد: ارتباط ایشان با رهبران و پیروان ادیان و گفتگو با آنها بسیار منحصر به فرد بود، این درحالی است که در زمان کنونی هنوز هم افرادی وجود دارند که رفتار ایشان را با دیگر ادیان بر نمی تابند.

حجت الاسلام والمسلمین نواب در ادامه با اشاره به گفته سید حسن نصرالله در مورد شخصیت امام موسی صدر، ابراز داشت: به گفته سید حسن نصرالله، کیان و موجودیت حزب الله و لبنان به واسطه امام موسی صدر می باشد، هر چند انسان های بزرگی مانند فضل الله و شمس الدین در لبنان وجود داشتند.

رییس دانشگاه ادیان و مذاهب، جمعیت شیعیان لبنان را در حدود یک میلیون و سیصد هزار نفر اعلام کرد و گفت: شیعیان لبنان نه تنها در این کشور، بلکه در تمام جهان منشأ اثرات فراوان هستند و این مسئله نشانه معجزه امام موسی صدر است که این جمعیت را به عنوان یک قشر مؤثر در جهان معرفی کرده است.

وی در ادامه با اشاره به رشد چشمگیر دانشجویان بعد از انقلاب اسلامی، یادآور شد: بعد از انقلاب تعداد دانشجویان از صد و سی هزار به چهار و نیم میلیون رسیده است و آمار طلاب در برابر دانشجویان اندک است و جای نگرانی دارد که چرا به حوزه های علمیه کمتر رسیدگی شده است.

حجت الاسلام والمسلمین نواب در پایان درباره تأثیرات علمی بزرگانی مانند شهید، بهشتی و مطهری تاکید کرد: در حوزه فکر، روحانیت شیعه از دانشگاه عقب نیست و این مسئله موهون عالمانی است که بار فکری و فرهنگی حوزه را بر دوش کشیده اند.

دختر امام موسی صدر:

امام موسی صدر کسی بود که در برابر اسرائیل موضع عملی گرفت



امام موسی صدر کسی بود که در برابر اسرائیل موضع عملی گرفت و همین امر باعث شد خشونت اسرائیل نسبت به امام موسی صدر افزایش یابد و علنی شود. خانم حورا صدر در گفت و گو با انقلاب نیوز، با اشاره به نظریات امام موسی صدر درباره گفت و گوی ادیان، افزود: بارزترین ویژگی امام موسی صدر این است که ایشان تفکرات خودشان را به مرحله اجرا در می آوردند، ایشان نه تنها نظریه پرداز گفت و گوی تمدن ها بودند بلکه هیئتیی را تشکیل دادند تا در این راستا فعالیت کنند،

دختر امام موسی صدر با اشاره به ارتباط امام موسی صدر با اهل تسنن، عنوان کرد: تعامل امام موسی صدر با اهل تسنن، تعاملی توأم با ادب و احترام بود حتی ایشان در کنفرانس های اهل تسنن با روحیه ای بسیار برادرانه، توأم با ادب و احترام شرکت می کرد، بنابراین اگر امام موسی صدر در جامعه سیاسی کنونی حضور داشت با همان روند با سایر افراد تعامل می کرد.

وی با بیان عقاید امام موسی صدر برای همدلی و

دفاع قاطع شیخ قرضاوی از بنی امیه!

به این مجموعه افراد، باید ابوالحسن ندوی را هم افزود که به قول قرضاوی گرچه در مواردی انصاف را رعایت کرده، اما حملاتی هم به امویان دارد در حالی که منبع او اغانی ابوالفرج اصفهانی است!

قرضاوی می گوید افراد منتقد زیاد هستند اما من اینها را انتخاب کردم، چرا که اینان داعیان بزرگی در جهان اسلام هستند.

وی سپس از مقالات محمود محمد شاکر یاد می کند که چهار مقاله در مجله المسلمون متعلق به اخوان المسلمین در دفاع از امویان و شخص معاویه نوشت و از نویسندگان نامبرده بالا، انتقاد کرد. همان زمان استاد علی طنطاوی به دفاع از آرای سید قطب پرداخت.

قرضاوی می افزاید: من از کسانی هستم که از امویان دفاع می کنم.

سپس می گوید: از علمای بزرگ گذشته ابوبکر بن عربی در کتاب العواصم من القواصم از یزید دفاع کرد و نوشت که حسین با شریعت جدش رسول الله کشته شد.

مستند او حدیث «ان ستكون هنات و هنات، فمن اراد ان يفرق هذه الامه، و هي جميع، فاضربوه بالسيف کائنا من كان» است. ابن خلدون بعدا نظر ابن العربی را نادرست خواند به استناد این که عدالت شرط امامت است و در آن زمان عادل تر از حسین نبوده است.

جالب است که در این جا قرضاوی هیچ قضاوتی در باره اظهارات ابن العربی و پاسخ ابن خلدون نمی کند!

اندکی بعد قرضاوی می گوید که می خواهد نظری متعادل در باره امویان بدهد. سپس شروع به نقل احادیث فضائل معاویه که در بخاری و آثار دیگر آمده پرداخته است. به علاوه به کلیات مقبول نزد اهل سنت می پردازد که نباید به صحابه توهین کرد.

وی روایات فضائل معاویه را از مصادر حدیثی آورده و به گمان خود اشاره دارد که در برخی از اینها حرفهایی وجود دارد. اما به صراحت آنها را تکذیب نکرده و تنها سعی می کند بگوید که معاویه مثل علی و خلفای اول نیست!

سپس در باره معاویه به عنوان یک حاکم می گوید که وی تمام توجهش اقامه شعائر دینی و پیروی از سنت نبوی بوده است. یکی از آنها هم همین روزه گرفتن روز عاشورا است! سپس می گوید: معاویه در ترویج نصیحت و امر به معروف و نهی از منکر تلاش می کرد.

قرضاوی با اشاره به دو نقل که یکی هم از مسعودی است از حمایت معاویه از امر به معروف و نهی از منکر سخن می گوید و این که تعریف از کسی کرده بود که در وقت اقامه نماز جمعه از وی انتقاد کرده بود.

قرضاوی می گوید: سیره معاویه نشان می دهد که او از بزرگترین حکام عالم، فردی عادل و حکیم است که فقط به خاطر این که بعد از عمر و علی قرار گرفته، به آن منزلت شایسته خود دست نیافته است!

قرضاوی می گوید: این که او علیه علی (ع) بنی کرد درست است و دلایلی دارد، اما آن زمان گذشت و او

شیخ یوسف قرضاوی در اثر جدید خود فصلی را به دفاع از بنی امیه اختصاص داده و این دولت را یک دولت دینی و بانی تمدن اسلامی شمرده است.

در یک مقطع تاریخی که فضای فکر دینی مصر و پاکستان به سمت تعادل حرکت می کرد، نویسندگانی مانند سید قطب، مودودی، محمد غزالی و حتی ابوالحسن ندوی، نگاه مثبت تری نسبت به تاریخ اسلام به ویژه بنی امیه داشتند. در آن دوره انتقادات ابوالاعلی مودودی و سید قطب از دوره خلیفه سوم، و طرح همان انتقاداتی که صحابه به وی داشتند، و به خصوص محکوم کردن امویان به عنوان یک دولت قوم گرای مستبد، از دیدگاه های رایجی بود که آثار بزرگان اهل سنت و مصلحان آن دیده می شود.

اما و ... اکنون جناب شیخ یوسف القرضاوی، که گرایش های حدیثی و وهابی را در خود دارد، بار دیگر آنان را مورد حمله قرار داده و به دفاع از بنی امیه پرداخته است.

کتاب تاریخنا المفتری علیه وی که در سال ۲۰۰۵ چاپ شده، گویی رسالتش دفاع از امویان و در رأس آنها معاویه و انتقاد از سید قطب و مودودی است ضمن اشاره به این که البته آنها خدماتی دارند، آنان را زیر بار انتقاد گرفته و نه با دلایل تاریخی بلکه حدیثی و طرح کلیات به دفاع از امویان می پردازد.

نگاه حدیثی وی برای ارزیابی دولت اموی آن است که چون حدیث داریم که حضرت رسول (ص) فرمود: خیرکم قرنی، ثم الذین یلونهم، ثم الذین یلونهم، بهترین شما هم نسل ها من هستند، پس از آن نسل بعد، و سپس نسل بعد» بنابراین شامل امویان هم می شود!

به گفته وی حدیث صحیح دیگری که منزلت بنی امیه را نشان می دهد این است که حضرت فرمود: اولین سپاه امت من که در دریا می جنگند اهل بهشت هستند». اولین سپاه هم، سپاه اموی است که عازم فتح مصر شدند!

پس از آن قرضاوی می گوید: دولت اموی، دولتی است که اسلام را در جهان منتشر کرد، حلقات علم در همه جا پدید آورد، علوم در این دوره آغاز شد حتی ترجمه هم این زمان آغاز شد....

سپس به انتقاد از ابوالاعلی مودودی پاکستانی به خاطر مطالبی که در کتاب الخلافة و الملک گفته و انتقاد از عثمان و امویان کرده و از آنها اظهار تأسف می کند. همین طور از سید قطب به خاطر اظهاراتی که در کتاب العدالة الاجتماعية فی الاسلام دارد و حمله سختی به امویان کرده سیاست آنان را خالی از اخلاق دانسته است، مورد نقد قرار می دهد.

شخصیت دیگری که قرضاوی به انتقاد از او پرداخته، شیخ محمد غزالی است که در کتاب «الاسلام و الاستبداد السياسي» اظهار کرده است که یزید: حتی یک مدرسه ابتدایی را هم نمی توانست اداره کند و دنبال آن نیزه قلمش را به سمت امویان نشانه گرفته است!

استاد سید هادی خسروشاهی

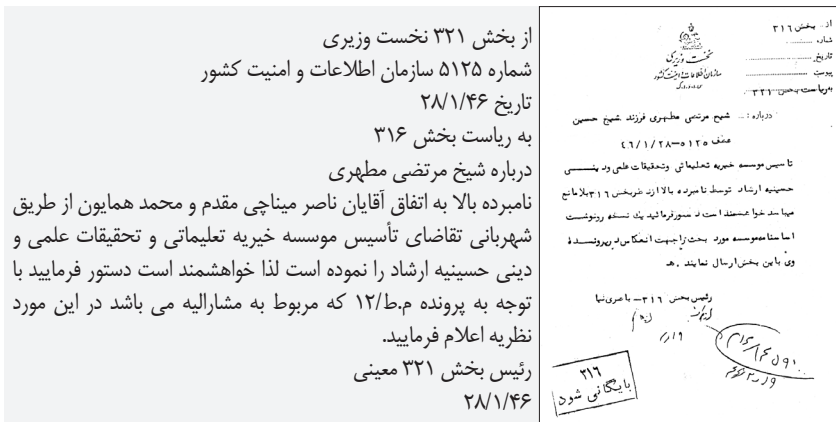
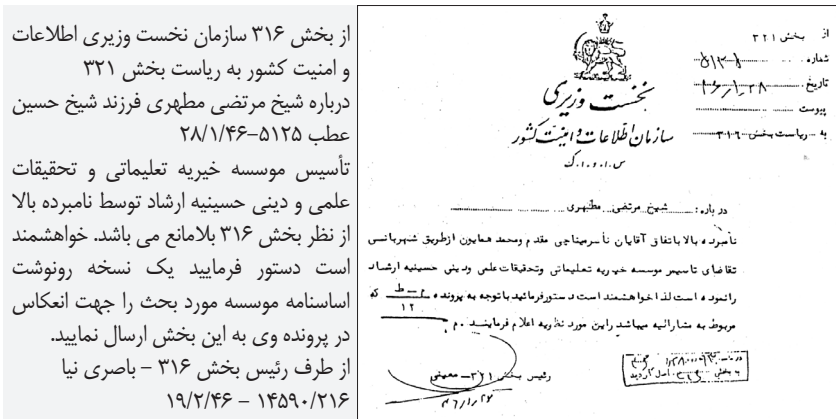
من با مرحوم ناصر میناجی مقدم از آغاز فعالیت «حسینیه ارشاد» در چادری در جاده شمیران، آشنا شدم، بانی آشنایی من با ایشان شهید آیت الله مرتضی مطهری بود که روزی در دیداری، از تأسیس یک مؤسسه دینی جدید، آن هم - موقتاً و فعلاً! - در زیر چادر یا خیمه ای بزرگ در «چالهرز» خبر داد و دعوت کرد که شب به آنجا بروم و در جلسه شرکت داشته باشم؛ آن شب به «چالهرز» رفتم؛ سخنران جلسه خود شهید مطهری بود و پیشنهاد هم مرحوم حاجت الاسلام سید علی شاهچراخی، بعد از پایان جلسه که دیروقت بود، آقای ناصر میناجی پرسید شب کجا می روید؟ گویی احساس کرد من جایی ندارم که در آن وقت شب، به آنجا بروم! دعوت کرد که به خانه او بروم که رفتم و شب میهمان او بودم که در آن زمان و یا برای من، ویلای جالبی بود... حرکت ادامه یافت و بعدها من در جلسات حسینیه ارشاد، چه در دوران شکوفایی سخنرانی های جذاب خطیب نامی، مرحوم فخرالدین حجازی و چه در دوران خطبه های علمی و متین شهید مطهری و چه در زمان سخنان انقلابی رفیق شفیق، دکتر علی شریعتی، شرکت داشتم و درواقع، پس از «مسجد هدایت» آیت الله طالقانی در خیابان اسلامبول، پاتوق دوم ما، حسینیه ارشاد شد...

با پیشرفت امور، آیت الله مطهری بنده را برای «همکاری علمی» در موسسه دعوت نمود که به علت اقامت در قم و عدم امکان حضور مستمر در جلسات هیأت علمی، آن را نپذیرفتم، اما پیشنهاد ایشان را در مورد نوشتن مقاله ای تحقیقی درباره «مسلمین جهان» پذیرفتم که در کتاب «محمد خاتم پیامبران» - در کنار مقالات اساتید بزرگوار و با اشراف شهید مطهری - به چاپ رسید... در سفرهای «کاروان حج حسینیه ارشاد» باز به دعوت شهید مطهری به عنوان «عضو هیأت علمی کاروان»، در سه سفر شرکت نمودم که هم سفرهایمان شخصیت هایی چون مرتضی مطهری، صدر باغی، محمدتقی شریعتی، سید غلامرضا سعیدی، شیخ عبدالله نورانی، مهندس حبیبی، مهندس معین فر، دکتر علی شریعتی، احمد آرام، دکتر نکوفر، سید علی شاهچراخی، فخرالدین حجازی و افراد دیگری از این نوع بودند و آقای میناجی «مدیر کاروان» بود. این سفرها علاوه بر مسائل عبادی و معنوی، از لحاظ ارتباطات با شخصیت های مختلف جهان اسلام و حضور در جلسات «رابطه العالم الاسلامی» و بازدید از «دانشگاه اسلامی مدینه منوره» و غیره، بسیار مهم و پر بار بود و بخش عمده این فعالیت ها ناشی از آشنایی پیشین من با رهبران حرکت های اسلامی دنیای اسلام و علمای اهل تسنن در بلاد مختلف بود که بعضی از آنها، به دعوت ما، در جلسات «حسینیه ارشاد» حضور می یافتند و بعضی از آنها سخنرانی هم می کردند که برخی از آنان «سیدی عباسی» رهبر بدی «جبهه نجات اسلامی الجزایر»، «ابراهیم» شخصیت برجسته سنگال، «عبدالله الخنیزی»، مولف کتاب «ابوطالب مومن قریش»، سید جواد فضل الله (برادر آیت الله سید محمد حسین فضل الله) و خلیل حامدی معاون «جماعت اسلامی پاکستان» و بعضی از رهبران اخوان المسلمین سوریه، عراق و مصر و اردن و سودان، در آن زمان بودند... شهید مطهری از این دیدارها بسیار مشغوف می شد و مرا تشویق می-کرد که به این ارتباطات بیشتر ادامه بدهم و در همین راستا من با مراجعه به دفتر شیخ صالح القز، مدیر «رابطه العالم الاسلامی» - با معرفی شیخ خلیل حامدی، مسئول بخش عربی جماعت اسلامی پاکستان - توانستم فهرست کامل تمامی آدرس های مراکز اسلامی جهان را بگیرم که نسخه ای از آن را در اختیار مدیریت حسینیه ارشاد قرار دادم تا بعدها بتوانند از آن استفاده کنند... در آن زمان، درواقع روابط ما با کل حسینیه ارشاد حسنه بود تا اینکه اختلافی بین شهید

بنیان گذار حسینیه ارشاد کیست؟

طرف مدیریت(!) حذف و نام مرحوم دکتر علی آبادی را که سابقه ای درباره این قبیل مسائل علمی - فرهنگی - مذهبی نداشت، اضافه کرده اند که از لحاظ «قانونی»! مشکلی در مورد کمبود عضو مؤسس، به وجود نیاید... توضیح این امور، در خاطرات اینجانب درباره حسینیه ارشاد آمده است که با درگذشت آقای میناجی، فعلاً از چاپ آن - که آماده شده بود - خودداری خواهم کرد... و البته «مباحثات مکتوب ما و ایشان» چند سال قبل در سایت «بازتاب» آمده است که تکرار قسمت هایی از آن در سایت آقای میناجی هم نقل شده است: غفرانک ربنا والیک المصیر.

منبع: مجله هفتگی «آسمان» شماره ۷۵، ص ۱۱۸، مورخ ۱۲ بهمن ۹۲.



تصحیح و توضیح

میناجی به حسینیه ارشاد برگردند! در حالیکه ایشان چندی پیش در مصاحبه ای رسماً اعلام نموده بود که آقای میناجی درخواست نامبرده و خانواده محترم دکتر شریعتی را برای اختصاص دفتری در ساختمان حسینیه ارشاد، برای نشر آثار وی رد کرده و نپذیرفته بود و آقای احسان خود از این روش گله مند بوده، آن وقت چگونه می توان دکتر شریعتی را به حسینیه بازگرداند؟

۶ - باز جناب سخنور در قسمت دوم مقاله خود نکاتی هم از قول جناب رهنما و آقای میناجی، در مورد درخواست های شهید مطهری نقل کرده اند که گویا ایشان خواستار التزام عملی! خانواده های سخنرانان در حسینیه ارشاد با شئون اسلامی بوده و از سوی دیگر گویا در بند ۲ درخواست ایشان؟ آمده بوده که «آقای میناجی و آقای علی آبادی باید استعفا بدهند». که این ادعاها به طنز بیشتر شباهت دارد تا به حقیقت و واقعیت. و ظاهراً مدیریت (!) حسینیه برای متهم ساختن شهید مطهری به خودخواهی و زورگویی! آنها را مطرح ساخته و نقل کرده است که مطلقاً صحت ندارد.

۷ - از برادرمان فاضل میبیدی هم باید گله مند بود که در مقاله خود حتی حاضر نشده از شهید مطهری در این رابطه نامی ببرد. آن وقت این دوستان از انحصارطلبی یا «خودی» گرای دیگران، گله مندند!

تهران: ۹۲/۱۱/۱۴

سید هادی خسروشاهی

نقل از مجله آسمان شماره ۷۶ ص ۲۴

جریان اسلامی تأثیرگذار و پرارزشی را بنیان نهد. اسناد موجود در ساواک، بانی اصلی تأسیس حسینیه ارشاد را «مرتضی مطهری» معرفی می کند که بعدها آقایان دیگر، به تبع ایشان در این امر شرکت یافتند. یکی، دو سند را اینجا عیناً می آورم تا دوستانی که تاریخ می نویسند، حق هیچ کس را ضایع نکنند، چه شهید مطهری باشد و چه دیگران. ... با توجه به این دو سند - علاوه بر سندهای دیگری که ضرورتی ندارد در اینجا نقل شود - بانی نخستین و درخواست کننده اصلی برای تأسیس حسینیه ارشاد شخص شهید مطهری بوده که آقایان همایون و میناجی به تبع، به ایشان ملحق شده اند و متأسفانه آنطور که خود شهید مطهری به اینجانب نقل می کرد، در مراحل پایانی اخذ مجوز، نام ایشان از

مطهری و برادران دکتر علی شریعتی توسط عناصر فرصت طلب، ایجاد شد و سرانجام منجر به «کناره گیری اجباری» شهید مطهری گردید که سرآغاز سقوط معنوی - علمی حسینیه ارشاد بود و متأسفانه طبق اسناد موجود و نامه های شهید مطهری که بنده بعضی از آنها را سال ها پیش منتشر کرده ام، این امر توسط مدیریت حسینیه، برنامه ریزی و اجرا شد و به یقین دکتر علی شریعتی که خود به من گفت، نه تنها نقشی در آن نداشت بلکه قلباً از این امر ناراضی بود... این بود که به تدریج، و با کنار رفتن علما و روحانیون و محدود شدن دکتر شریعتی، از حسینیه ارشاد که تبدیل به یک جریان سازنده شده بود، فقط ساختمانی به جای ماند که با همت آقای ناصر میناجی، این ساختمان، اداره می شد... و کتابخانه آن هم به زودی در کنار آن ساخته می شد که نامبرده خیلی به تکمیل و اتمام آن اهتمام داشت و اگر هم تکمیل و افتتاح گردد، یکی از کتابخانه های معتبر تهران خواهد بود...

من در این یادداشت، قصد بسط علل و عوامل پیدایش اختلاف و افول تدریجی حسینیه ارشاد را ندارم و «صاحبان قضیه» هم به رحمت خدا رفته اند، ولی نکته ای که همواره مورد توجه حقیر بوده و بارها و بارها آن را در جرائد و مطبوعات با سند و مدرک نوشته و یادآور شده ام، به فراموشی سپردن نقش اصلی و اساسی شهید مطهری در تأسیس، بنیان گذاری و اداره امور علمی حسینیه ارشاد است... متأسفانه اخیراً در بعضی جرائد خواندم که آقای میناجی، بنیان گذار(!) حسینیه ارشاد با همکاری مرحوم همایون و مرحوم دکتر علی آبادی بود! در حالی که طبق دستخط موجود از شهید مطهری، بنیان گذار و مؤسس اصلی حسینیه ارشاد خود ایشان بود و آقای میناجی هم به عنوان مدیر امور مالی و اداری آنجا انتخاب شده بود و امور مالی علاوه بر کمک های مردمی، «توسط مرحوم همایون» تأمین می شد و پشتوانه اصلی ساخت و اداره آن بود.

تخریف تاریخ و غفلت از حقایق و به فراموشی سپردن نقش شخصیت هایی چون شهید مطهری در پیدایش و نشاط نخستین حسینیه ارشاد، دور از عدل و انصاف است... و بی تردید اگر موقعیت علمی و معنوی و اجتماعی شهید مطهری نبود، پول های آقای همایون و قانون شناسی آقای میناجی نمی توانست

در بخش ویژه نامه «حسینیه ارشاد» در شماره ۷۶ مجله وزین «آسمان»، مورخ ۹۲/۱۱/۱۲، نکاتی مطرح شده بود که توضیحات کوتاهی، برای تصحیح تاریخ، ضروری به نظر می رسد.

۱ - در مقاله جناب حسین سخنور مطلب مربوط به کارشکنی های آقای میناجی و تخریب طرح اصلاحی با حضور آقایان هاشمی و باهنر و شریعتی، در مشهد، نقل قولی از آیت الله سید علی خامنه ای است و مربوط به خود اینجانب نیست... مشروح مطلب ایشان در این زمینه قبلاً در روزنامه ها منتشر شده بود و من فقط سطورى از آن را در مصاحبه خود با «ایران» آورده بودم.

۲ - مطلب برادر عزیز و ارجمند جناب آقای دکتر سید محمد مهدی جعفری، درباره اینکه آقای «میناجی» در اختلاف بین مطهری و شریعتی نقشی نداشت! متأسفانه منطبق با واقعیت ها نیست. بلکه عامل اصلی ایجاد این اختلاف، شخص آقای میناجی بود و مخالفت شهید مطهری با مرحوم دکتر شریعتی، صرفاً جنبه علمی داشت. همانطور که آقای جعفری خود آن را یادآور شده اند.

اما، به علت تصرفات و مداخلات فردی و همه جانبه آقای میناجی، در همه امور و مخالفت شهید مطهری با این روش غیرمنطقی، نامبرده تشخیص! داد که باید به نحوی از شهید مطهری گذر کند و دور شود و بهترین راه هم ایجاد اختلاف بود که سرانجام به گفته جناب آقای پرویز خورشید - از اخراجی های حسینیه - که خود شاهد عینی ماجر بوده، آقای مینای به شهید

مطهری می گوید: «شما دیگر تشریف نیاورید! چون هیأت مدیره این را تصویب کرده است!» و البته معنی و مفهوم «هیأت مدیره» را هم همه می دانیم.

۳ - برادرمان آقای جعفری اشاره کرده اند که گویا آقای میناجی در دوران وزارت با اینجانب که نماینده منصوب حضرت امام خمینی(ره) در وزارت ارشاد بودم در امور مشورت می کرد که متأسفانه باز با حقیقت وفق نمی دهد چراکه نامبرده نه تنها هیچگونه مشورت و همکاری با اینجانب به عمل نمی آورد، بلکه یکی از معاونین خود را به «قم» فرستاده بود که امام اینجانب را از ادامه کار در وزارت ارشاد «معاف» بدارد که مسئولین دفتر معاون محترم را اجازه نمی دهند که با امام ملاقات کند!

۴ - آقای میناجی در آخرین نوشته های خود متأسفانه و در او بی تقوایی می نویسد که اینجانب «کارمند قراردادی! وزارت ارشاد» بوده ام! که کذب محض است - و قرارداد ارشاد برای اخذ حقوق! بود که به پیشنهاد نامبرده که یک امر اداری ضروری است امضاء کردم ولی همه می دانند که بنده یک ریال هم از وزارت ارشاد حقوق دریافت نکرده ام و آنچه را که امور مالی ارشاد به حساب بنده ریخته بود، یکجا به «جبهه و جهاد» تقدیم و اهدا کردم که خبرش در روزنامه «اطلاعات» در همان ایام منتشر گردید.

۵ - شنیدم که برادر عزیز جناب احسان شریعتی در سخنرانی خود، آرزو کرده که روزی «شریعتی و

جرات می توان گفت بیش از ۹۵ درصد از مسائل مذاهب اسلامی مشترک هستند اما دشمنان اسلام با دامن زدن به اختلافات جزئی که همان پنج درصد اختلافات است، تلاش دارند به اهداف شوم خود دست یابند.

آیت الله تسخیری این نشست تخصصی را تلاش مهمی برای تقریب مذاهب اسلامی دانست و افزود: با برشمردن دلایل و اختلافات فقهی میان مذاهب اسلامی و تطبیق اصول فقه و مقارن سازی، بخش مهمی از اختلافات موجود میان مذاهب اسلامی کاسته می شود. وی در ادامه این نشست، به چالش های مهم جهان اسلام اشاره کرد و یکی از مهم ترین چالش ها را نظام مالی و بانکی دانست و تأکید کرد: بانکداری اسلامی موضوعی نوظهور است و چالش های مالی موجود در جهان اهمیت این مهم را بیش از پیش آشکار کرده است. وی افزود: چالش هایی که بانک های جهان اسلام با آن روبرو هستند، در اساس چالش های فقهی، اجتماعی، نظارتی و قانونی است. در واقع در تمام این موضوعات، مسایل مهم فقهی نهفته است.

این استاد برجسته دانشگاه مذاهب اسلامی گفت: برای رفع مشکل چالش های بانکداری اسلامی، ارائه راهکارهای مناسب یک ضرورت اساسی است؛ ضمن آنکه فقه های مذاهب اسلامی باید توجه ویژه ای بر بانک داری اسلامی داشته باشند.

وی تشکیل شورای فقهی در بانک داری را یکی از راهکارهای مهم برای حل مسائل مالی و بانکی برشمرد و گفت: در نظام نوین بانک داری و بحران های اقتصادی پیش رو در جهان، نیاز است شورای فقهی بر بانکداری اسلامی نظارت داشته باشند.

وی افزود: برای تبیین معاملات بانکی همچون وام و قرض الحسنه نیاز به احکام شرعی است؛ بنابراین باید شورای فقهی برای بانکداری اسلامی تشکیل شود.

«حجت الاسلام والمسلمین دکتر احمد مبلغی» نیز در مراسم اختتامیه این نشست، با اشاره به تلاش اندیشمندان ایرانی و جهان اسلام و اساتید و دانشجویان دانشگاه مذاهب اسلامی در این نشست، اظهار داشت: روش شناسی امروزه به عنوان سومین روش فقهی در استنباط احکام به شمار می رود و گام های مهمی برای توسعه این امر برداشته شده است.

برگزاری نشست بین المللی اندیشمندان جهان اسلام در حوزه روش شناسی فقه مقارن

شرایط زمان و مکان در فقه المقاصد اضافه کرد: رهبر انقلاب در مباحث اجتهادی خود بر اساس موازین اصول امامیه عمل می کردند و در مسائل حکومتی مصلحت نظام را می پذیرفتند.

«شیخ اسماعیل بن صالح الاغبری» معاون وزارت اوقاف و امور دینی سلطنت عمان نیز در این مراسم، با گرامیداشت سی و پنجمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری حضرت امام خمینی(ره)، به چالش های کنونی جهان اسلام اشاره کرد و بر ضرورت تلاش کشورهای اسلامی در جهت وحدت و تقریب مذاهب اسلامی تأکید کرد.

وی بروز افراطی گری و گروه های تکفیری و خشونت در جوامع اسلامی را از مهمترین چالش های کنونی در جهان اسلام برشمرد و اظهار داشت: امروزه جمهوری اسلامی با تلاش های خود در زمینه تقریب مذاهب اسلامی، گام های مهم و بلندی را برای تحکیم وحدت مسلمانان بوجود آورده است.

الاغبری با اشاره به آیه کریمه «ولا تنازروا بالالقباب ولا تلمزوا»، خاطرنشان کرد: امروزه در میان چالش هایی که جهان اسلام با آن مواجه است ضرورت دارد تا اعضای جامعه از استهزاء، عیب جویی و نسبت دادن عناوین زشت به یکدیگر دوری کنند اما متأسفانه در میان این افراد اندیشمندانی نیز وجود دارند که با انگیزه هایی به جز وحدت امت فعالیت می کنند.

این اندیشمند عمانی، استفاده از روش شناسی استنباطی تطبیقی احکام نوپیدا را راهکاری ضروری در جهت تطبیق مسائل و چالش های کنونی با اصول و فقه اسلامی عنوان کرد و خواستار توجه به اخلاقیات و معنویات در جهان اسلام شد.

در مراسم اختتامیه این نشست که اساتید و دانشجویان این دانشگاه نیز حضور داشتند، «آیت الله تسخیری» مشاور عالی مقام معظم رهبری در امور جهان اسلام طی سخنانی در این مراسم، با تأکید بر اینکه روش شناسی در استنباط احکام نو پیدا یکی از مهم ترین روش-های رسیدن به تقریب در مذاهب مختلف اسلامی است، خاطر نشان ساخت: بررسی اختلافات در روش شناسی به صورت مبنایی و اصولی انجام می شود و در نتیجه اندیشمندان به یک تصمیم واحد و اجماعی می رسند که این امر تقریب در مذاهب اسلامی را بوجود می آورد.

وی با اشاره به تلاش دشمنان اسلام برای اختلاف افکنی در میان مسلمانان و مذاهب اسلامی، هدف آنها را خدمت به گزینه هایی خاص بر شمرد و گفت: به



بعثت پیامبر ختمی مرتبت (ص) از آغاز تاکنون نیازهای گوناگون انسان را در زمان های مختلف پاسخ داده است. وی افزود: علمای اسلام برای مسائل جدید که در نص قرآن و حدیث نیامده است، از راه اجتهاد تلاش می کنند تا حکم دین را پیدا کنند.

اسحاق مدنی برگزاری این نشست را نقطه شروع مبارکی دانست و اظهار امیدواری کرد تا در جهان اسلام برای دست یافتن راه حلی برای مشکلات جهان اسلام، دانشمندان آگاه مسائل جدید را در ساختار اجتهادات مجتهدین گذشته و نصوص قرآن و حدیث حل و فصل کنند.

«حجت الاسلام والمسلمین دکتر عبدالکریم بی آزار شیرازی» نیز در این نشست گفت: اگر مقداری در تعریف های اصول استنباط دین دقت کنیم به این نکته پی می بریم که تمامی مذاهب اسلامی می توانند به هم نزدیک شده و به جای اینکه با نفی دیگران خود را اثبات کنند فقه با عظمت اسلام را به جهان اسلام در اروپا صادر کنند.

وی از شیخ محمود شلتوت از علمای بزرگ الازهر مصر یاد کرد و گفت: این دانشمند فقه مقارن را وارد دانشکده الشریعه کرد و این روشی است که برای فقه اجتهادی در نظر گرفته می شود و دانشمندان اسلامی بایستی در تحقیقات خود با کنار گذاشتن تعصبات، آراء شیعه و اهل سنت را بررسی کرده و هر کدام که با ادله قوی تری بیان شده قبول کنند.

وی در ادامه به فقه شیعه و روش اجتهادی امام خمینی (ره) اشاره کرد و گفت: حضرت امام ۵۰ سال پیش مسائل مستحدثه را مطرح و بصورت خصوصی تدریس می کردند و علاوه بر استفاده از آرا و نظرات تمام مذاهب سفارش می کردند تا علما نظریات و اقوال اهل سنت را در نظر داشته باشند.

بی آزار شیرازی همچنین با اشاره به توجه امام به

نشست بین المللی اندیشمندان جهان اسلام در حوزه روش شناسی فقه در دانشگاه مذاهب اسلامی تهران برگزار شد.

در این نشست دو روزه که شخصیت های مختلف جهان اسلام از کشورهای تونس، لبنان، عمان و سودان و همچنین علمای اهل سنت از استانهای خراسان، کرمانشاه، کردستان و سیستان و بلوچستان و اندیشمندانی از جمهوری اسلامی ایران حضور داشتند، روش شناسی تطبیقی استنباط احکام مسائل نوپیدا مورد بررسی قرار گرفت.

رئیس دانشگاه مذاهب اسلامی:

روش شناسی فقه مقارن زمینه های وحدت مسلمانان را بوجود می آورد

در مراسم افتتاحیه این نشست، «حجت الاسلام والمسلمین دکتر احمد مبلغی» رئیس دانشگاه مذاهب اسلامی گفت: روش شناسی تطبیقی استنباط احکام مسائل نوپیدا از مهمترین زمینه های ایجاد وحدت در اسلام به شمار می رود که می تواند وحدت مسلمانان را در جهان تقویت کند.

وی با اشاره به چالش های جهان اسلام و ضرورت بررسی مسائل جدید و نو پیدا، اظهار داشت: تاکنون فقه مقارن در دو حوزه مسائل مقارن و اصول فقه مقارن مورد مطالعه بوده است اما روش سوم «روش شناسی مقارن» است و تاکنون به صورت علمی مورد استنباط و بررسی قرار نگرفته است.

آقای مبلغی افزود: در این نشست روش شناسی به صورت تطبیقی انجام می شود یعنی مذاهب امامیه، مالکی، حنفی، اباضیه در زمینه استنباط احکام نوپیدا به نتیجه می رسند.

رئیس دانشگاه مذاهب اسلامی برگزاری این نشست را آغازی در روش شناسی استنباط احکام دین دانست و گفت: اگر هر مذهبی یک مطالعه روشی را در این زمینه انجام دهد، علما و دانشمندان جهان اسلام بهتر می توانند در کنار هم مسائل فراروی امت را بررسی کنند. مبلغی همچنین خاطر نشان کرد: دانشگاه مذاهب اسلامی به دنبال آن است که روش شناسی مقارن را به عنوان یک حوزه مطالعاتی دنبال کند و ضمن اینکه این حوزه را به متون درسی تبدیل می کند، الگویی برای دروس دانشگاهی خواهد بود.

در ادامه این نشست، «مولوی اسحاق مدنی» از علما و روحانیون برجسته اهل سنت استان سیستان و بلوچستان با تأکید بر اینکه روش شناسی مقارن شروع مبارکی در اجتهاد است، اظهار داشت: دین اسلام و

آیت الله اراکی:

هیچ جامعه ای جز در سایه اطاعت از خداوند به وحدت نمی رسد

که برخی از مدارس غربی، آزادی می خوانند. ایشان در توضیح معنی ولایت گفت: لازمه وجوب اطاعت از حاکم، این است که از طرف خداوند منصوب شده باشد، و اگر حاکم بر اساس اوامر و نواهی خداوند عمل نکند اطاعتش واجب نیست. در یکی از زیارت نامه آمده است که ائمه علیهم السلام، سیاست مداران بندگان و ستون کشور و امین خداوند هستند. صفت «امناء الرحمن» (امین خداوند) به کسی داده می شود که عالم به اوامر و نواهی خداوند باشد و در اجرا و تطبیق احکام خداوند امین باشد و معنی رسول، انتقال احکام و اوامر خداوند به مردم و با رعایت امانت داری و بدون هیچ تغییری است. ولی فقیه هم ضمن همین معنی است یعنی فقیه امین که اوامر خداوند را با امانت داری و حکمت به مردم می رساند باید مواظب این امانت بزرگ نیز باشد.

دبیر کل مجمع جهانی تقریب در پایان تأکید کرد: همه اطاعت ها باید در مسیر خداوند تبارک و تعالی باشد و هر حاکم و فقیهی که از اطاعت خداوند منحرف شود، وجوب اطاعت از فرامین او ساقط می شود.

آیت الله اراکی در نتیجه گیری از سخنان خود خاطر نشان ساخت: نجات انسان از همه بحرانهای مادی و معنوی و روحی و اجتماعی در سایه اطاعت از اوامر خداوند و حرکت در مسیر دین ارزشمند او میسر می شود.

است که برتر و بالاتر از دیگران باشد و فقط خداوند است که از همه برتر و والاتر است.

آیت الله اراکی در توضیح مفهوم عبادت تصریح کرد: عبادت، خضوع در برابر امر و نهی اطاعت شونده است و فقط به معنی سجده و رکوع و نماز و انجام واجبات نیست بلکه باید در همه رفتار و اخلاق انسان متجلی شود. بنابراین مسأله مهمی که در ایجاد هویت و شخصیت و تشخیص روش فکری و ایدئولوژی انسان نقش دارد، منبع خضوع و عبادت و ولایت است و اما اینکه چرا قرآن می گوید: له الخلق والامر» به این معنی است که خداوند منبع خلق و ایجاد و آفرینش است، بنابراین اطاعت فقط باید برای خداوند باشد نه غیر او، چرا که تمام اراده ها در برابر اراده خداوند خاضع هستند و اطاعات و خضوع کامل فقط مختص خداوند است.

دبیر کل مجمع تقریب در همین راستا تأکید کرد: انقلاب اسلامی در ایران برای احیای هویت انسانی شعله ور شد، تا انسان از اطاعت و خضوع در برابر غیر خدا به سوی اطاعت خداوند باری تعالی متوجه شود. هدف انقلاب اسلامی به دست گرفتن حکومت و بهبود اوضاع معیشتی نبود بلکه هدف آزادی انسان از اطاعات مستکبران و ظالمان و متکبران و رفتن به سوی اطاعت خالص خداوند بود و این معنی واقعی آزادی است نه آتی

زندگی آینده او دارد، منبعی است که انسان در تمام امور زندگی از آن تبعیت می کند. بر این اساس هویت انسان به دو نوع تقسیم می شود:

اول: هویت مبتنی بر اطاعت از خداوند، که منبع امر و نهی و تصمیم نهایی بر اساس اطاعت از خداوند باشد نه غیر او. در این صورت است که انسان از قید عبادت و بندگی و تبعیت از دیگران آزاد می شود و هویت الهی انسانی محقق می شود. دوم: هویت مبتنی بر پیروی از هوای نفس.

وی در توضیح این مطلب به آیه قرآنی «أَفَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ» و همچنین آیه قرآنی «ان احکم بین الناس بالحق ولا تتبع اهوائهم» اشاره می کند و می گوید: این آیات اشاره به این دارد که در مقابل انسان دو انتخاب وجود دارد، اطاعت از خدا و اطاعت از هوی نفس و هدف همه انبیاء تربیت انسان بر اساس اطاعت از خداوند تبارک و تعالی بوده است.

دبیر کل مجمع جهانی تقریب خاطر نشان ساخت: چنان که در قرآن کریم آمده است، خروج از اطاعت خداوند و پیروی از دیگران، باعث تفرقه و پراکندگی در جامعه انسانی می شود و هیچ جامعه ای جز در سایه اطاعت از خداوند به وحدت نمی رسد.

وی با طرح این سوال که چه کسی شایستگی اطاعت و پرستش دارد گفت: کسی شایسته اطاعت

به گزارش (تنا)، آیت الله اراکی دبیر کل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، در حاشیه سفر به نجف اشرف به منظور مشارکت در کنفرانس «ثروت گرایی مذهبی در چشم انداز گفتگوی تمدنها» که دانشگاه کوفه آن را برگزار کرده بود. به دعوت حوزه علمیه «ولایت کبری» به دیدار این حوزه رفت و در طی سخنرانی که در آنجا ایراد کرد به تفسیر مفهوم هویت دینی و نقش اطاعت خداوند در بنای شخصیت اسلامی پرداخت.

آیت الله اراکی در ابتدای سخنان خود به آیه قرآن کریم «وما ارسلنا من رسول الا لیطاع باذن الله ...» اشاره و تصریح کرد: هویت انسان مبتنی بر اطاعت است. به عبارت دیگر هویت انسان در حقیقت اطاعت از کسی است که به انسان امر و نهی می کند و انسان در مسیر او گام بر می دارد.

وی در ادامه اذعان کرد: هر انسانی چه مؤمن و چه کافر، در زندگی روش و هدفی دارد که به سوی آن به پیش می رود و این مسیر هویت انسان است و تبعیت انسان از هر روش و عقیده و تفکری نشان دهنده شخصیت و هویت اوست.

دبیر کل مجمع جهانی تقریب با اشاره به نقش اطاعت و اطاعت شونده تصریح کرد: موضوع مهم و اساسی در زندگی انسان که نقش مهمی در ایجاد شخصیت و

ادامه از صفحه اول

۲) تروریسم فردی و تروریسم دولتی

چنانکه ذکر شد تروریسم در گذشته به رفتار سرکوب‌گرایانه دولت‌ها، از جمله حذف مخالفین، اطلاق می‌شده است، در حالی که در سده اخیر این اصطلاح برای توصیف رفتارهای خشن گروه‌های مخالف دولت علیه غیرنظامیان مورد استفاده قرار گرفته است. با وجود این، در ادبیات سیاسی و در نوشتارهای ژورنالیستی همچنان از اصطلاح «تروریسم دولتی» استفاده می‌شود. برای نشان دادن جایگاه این اصطلاح و تفکیک دقیق آن از تروریسم فردی، بازشناسی خشونت‌های دردناکی میان افراد، افراد با دولت، و دولت‌ها با یکدیگر ضروری است. تبیین این روابط در پنج معادله قابل بررسی است: ۱) خشونت افراد بر ضد یکدیگر؛ در ادبیات ژورنالیستی در موارد قتل‌های فجیع نیز از اصطلاح ترور استفاده می‌شود، بی‌آنکه ارتباط مفهومی بین این فعل و لفظ ترور برقرار شود. این قتل‌ها در زمره حقوق جزاست و مطابق قانون هر کشوری تعقیب می‌گردد، مگر اینکه واجد دو شرط ذیل باشد: ۱) شخص مقتول که هدف حمله جنبی قرار گرفته از جمله مقامات عالی رتبه کشوری یا لشکری بوده باشد؛ ۲) قصد ضارب، سیاسی باشد.

۲) خشونت افراد بر ضد دولت: این نوع از خشونت، اعم از خشونت فردی یا سازمان یافته، معنای اصلی تروریسم را تشکیل می‌دهد؛ مشروط بر اینکه چنین خشونت‌ها با اهداف سیاسی آمیخته باشد. در غیر این صورت خشونت مذکور عنوان جنایت بر ضد مقامات دولتی یا اموال عمومی را خواهد داشت که مطابق حقوق جزا از جرایم عمومی تلقی می‌گردد.

۳) خشونت دولت بر ضد افراد: تروریسم دولتی، حالتی است که در آن دولت‌ها به‌طور نظام‌مند با نقض مقررات بنیادین و شناخته شده حقوق بشر و بشردوستانه به سرکوب و حذف مخالفین، گروه‌های سیاسی، قومی و نژادی اقلیت اقدام می‌کند.

۴) تروریسم دولتی: یعنی حمایت و پشتیبانی دولت از فعالیت‌های گروه‌های تروریستی. برخی از حقوق‌دانان در مباحث مربوط به تروریسم دولتی بین دو مفهوم قائل به تفکیک شده‌اند. این دو مفهوم عبارتند از: پشتیبانی دولت «در» تروریسم و حمایت دولت «از» تروریسم. به‌طور کلی آنچه از مفهوم پشتیبانی دولت «در» تروریسم فهمیده می‌شود، محدود به وضعیتی است که دولتی عملیات تروریستی را برنامه‌ریزی، حمایت و کنترل می‌کند. در حالی که مفهوم حمایت دولت از تروریسم شامل تمامی حمایت‌هایی می‌شود که پایین‌تر از پشتیبانی هم هستند. در این خصوص باید توجه داشت که احراز مسئولیت دولت برای حمایت از تروریسم مستلزم بررسی هر قضیه در شرایط خاص خود می‌باشد. ۵) خشونت دولت‌ها بر ضد یکدیگر: اگرچه همواره

در درگیری‌های مسلحانه امکان توسل به روش‌های تروریستی قابل تصور است، ولی تروریسم با مخاصمه طرفین در جنگ نیز متفاوت است. چرا که اولاً، تروریسم اساساً علیه غیرنظامیان است. ثانیاً، جنگ — اعم از داخلی و بین‌المللی — تابع قواعد و ضوابطی است که تروریسم ماهیتاً آن را انکار می‌کند.

بنابراین با عنایت به مباحث مطروحه و عدم جایگیری مفهوم «تروریسم دولتی» در هیچ یک از قالب‌های اعمال خشونت باید به این نتیجه صریح رسید که تروریسم در زمره جنایات فردی است که هدف آن خدشه مستقیم یا غیرمستقیم به دولت‌ها بوده و در این راه با نشانه گرفتن اشخاص و اهداف غیر نظامی، حیات بشر را به خطر می‌اندازد. از این رو اصولاً تروریسم را نمی‌توان از جنایاتی دانست که ذاتاً دولتی است، اگرچه همواره امکان تشویق، تحریک، سازماندهی، هدایت، کمک و پشتیبانی دولتی قابل تصور است و اینگونه ملاحظات در حقوق بین‌المللی عرفی عمل متخلفانه شناخته شده و می‌تواند مسئولیت دولت خاطی را به دنبال داشته باشد.

برآیند موضوع**تروریسم از دیدگاه حقوق بین‌الملل و اسلام**

متداول، ترور به قتل‌های سیاسی و با سلاح اختصاص دارد اما در فتک که در فقه به کار برده می‌شود، معنای اعم از آن اراده می‌شود. فلذا هم قتل‌های سیاسی را دربرمی‌گیرد و هم قتل‌های غیرسیاسی را. هم کشتن با سلاح را شامل می‌شود و هم کشتن بدون سلاح را. اما در معنای آن فریب و غیله دخالت دارد (مرعشی مجموعه مقالات: ۲۸).

۲) مقایسه محاربه و ترور

در مقایسه محاربه و ترور می‌بایست دو دیدگاه را از یکدیگر تفکیک کرد: دیدگاهی که بنابر آن سرقت و اخذ مال جزء لاینفک محاربه است و دیگری که مطابق آن اخذ مال و سرقت تنها در تعیین مجازات موثر است. به این صورت که اگر کسی سلاح به دست گرفت و اخافه کرد تبعید می‌شود و اگر مرتکب قتل گردید، کشته می‌شود و کسی که دزدی کند دستش قطع خواهد شد. بنابر اصالت دیدگاه نخست که در آن اخذ مال از خصایص ذاتی محاربه است، ترور اعم از محاربه می‌باشد و لذا محاربه ترور نیست، زیرا شامل سرقت هم می‌شود. طبق تعریفی که از ترور معروف است یکی از مصادیقش ایجاد نامنی بدون دزدی یا قتل است. (مرعشی مجموعه مقالات: ۳۰) ولی بنابر اصالت دیدگاه دوم که در آن اخذ مال از خصایص ذاتی محاربه نیست، مفهوم ترور و مفهوم محاربه بسیار به یکدیگر نزدیک می‌گردد. البته در این مقام نیز باید قائل به تفکیک بود. بنابر نظر آن دسته از علمای حقوق که برای تروریسم ماهیت سیاسی قائل نیستند مفهوم تروریسم و محاربه کاملاً متساوی و منطبق با یکدیگر می‌باشد، زیرا از نظر این گروه تروریسم عبارت است از: هر گروه اعم از شخص واحد، حکومت، حزب، جمعیت و سازمان که قیام مسلحانه و ایجاد رعب و هراس کند و امنیت را در جامعه سلب و نقض نماید که این در نظام اسلامی محارب خوانده می‌شود (موسوی بجنوردی ۱۳۸۵ ج ۶: ۳۸۰).

۳) مقایسه اغتیال و تروریسم

همان‌طور که در مقایسه فتک و تروریسم گفته شد با در نظر گرفتن تعریفی که از تروریسم شده است یعنی وجود سه عنصر اهداف سیاسی، ایجاد رعب و وحشت، و صدمه زدن به سلامت و جان و برهم زدن نظم و امنیت عمومی، می‌توان به راحتی دریافت که اغتیال و ترور دو مفهوم متفاوتند. زیرا اغتیال به معنای یورش و حمله و صدمه به جان انسان‌ها به‌طور مخفیانه است و در این تعریف ایجاد رعب و وحشت و بر هم زدن نظم عمومی و اهداف سیاسی مورد توجه نیست.

محکومیت تروریسم از دیدگاه اسلام**۱) محکومیت ترور از نگاه آیات و روایات**

یکی از اصول مسلم در اسلام حفظ صلح و امنیت است. خداوند سبحان در قرآن می‌فرماید: «الضُّلُّ حَیْرٌ» (نساء: ۱۲۸) و اصولاً هر کسی با صلح و امنیت و سازش مخالف باشد از نظر اسلام محکوم است. حال این مخالفت او با هر عنوانی (چه به صورت فتک باشد یا محاربه یا اغتیال) صورت بگیرد تفاوت نمی‌کند. از مهم‌ترین دلایل محکومیت تروریسم از دیدگاه اسلام این آیه شریفه است که می‌فرماید: «مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا» (مائده: ۳۲) این آیه خطاب به قوم بنی اسرائیل در ارتباط با حادثه کشته شدن هابیل به دست قابیل بیان شده است. این آیه شریفه علاوه بر یک ضابطه و قاعده، یک مبنای فقهی را نیز مشخص می‌کند و آن این است که در ادیان الهی، از جمله اسلام، قتل نفس تنها به دو دلیل مجاز می‌باشد: یکی در قصاص و دیگری به‌عنوان مجازات افساد فی الارض. البته فساد در این آیه به معنای عام بوده و تنها به معنای اخص آن که محارب است، نمی‌باشد. در غیر این صورت قتل نفس نه تنها جایز نیست بلکه در فرهنگ قرآنی معادل با قتل همه نفوس و همه مردم می‌باشد. این آیه یکی از متفاوت‌ترین و صریح‌ترین آیات قرآنی و دلیل فقها بر اصل حرمت و کرامت انسانی در رعایت حقوق بشری انسان‌هاست (هاشمی شاهرودی ۱۳۸۰). امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: «أَنَّ اللَّهَ لَمْ يَخْلُقْكُمْ عِبَاءً» به این معنی که خدا شما را بیهوده و عبث نیافریده است. وقتی از ایشان می‌پرسند

چرا خداوند انسان را آفریده، پاسخ می‌دهند: «أَنَّ اللَّهَ خَلَقَكُمْ فِي حَرَمٍ وَ جَمَعَ الْفَتْكَمَ وَ بَشَرَ نِعْمَةً عَلَیْكُمْ وَ جَنَاحَ كَرَامَتِهَا وَ اسْأَلْتُ لَكُمْ جَدَاوِلَ نَعِیمِهَا». خداوند شما را در حرم امن خود (مکه) خلق کرد و میان شما الفت و دوستی قرار داد و نعمتش را بر شما گستراند. بنابراین جنایاتی که در تاریخ بشریت اعمال می‌شود با این اصل اساسی که مورد توجه اسلام است و آن مساله صلح و سازش است، کاملاً مغایرت دارد.

۲) محکومیت ترور بر اساس حکم عقل

همه افعال انسان‌ها دارای ارزش‌های ذاتی است. بدین معنا که ما معتقد به حسن و قبح عقلی در افعال می‌باشیم و احکام شریعت و قانون بر مبنای پیروی از ارزش‌های ذاتی تشریح می‌شود. بدین معنا، هر آنچه را عقلاً و فرهیختگان جوامع بشری نیکو نپندارند، شریعت نیز آن را واجب می‌داند و هر آنچه را عقلاً ناپسند نپندارند، شریعت نیز آن را حرام می‌داند؛ از این جهت، این قاعده از مسلمات علم کلام محسوب می‌شود که احکام اسلام مطابق احکام عقل است. بنابراین، ما مدعی هستیم که هیچ گونه تضادی بین احکام شریعت و احکام عقلی وجود ندارد. بر همین اساس، حکم عقل و احکام عقلی نقش اساسی در وضع قوانین اسلام دارند. بنابراین نباید جامعه عقلاً را از جامعه دین و مذهب جدا کرد. دین و مذهب ما عین عقلانیت است. در اسلام، هیچ حکم و قانونی که موجب تحمیل بر جامعه عقلاً باشد، تشریع نمی‌شود. تمام احکام اسلام بر اساس عقل سلیم و فطرت انسانی تشریع شده است؛ یعنی به حسب هویت ذات انسان‌ها تشریع شده است که هر چه انسان‌ها به آن گرایش دارند تشریع بر همان اساس صورت می‌گیرد. لہذا هر فعلی که جامعه عقلاً آن را نیکو نپندارد، شریعت آن را نیکو می‌دارد. به جهت اینکه شریعت اسلام، بلکه همه شرایع آسمانی، از عقل جدا نمی‌شوند. آنچه را حضرت ابراهیم (ع) یا حضرت موسی (ع) یا حضرت مسیح (ع) و پیامبر عظیم‌الشان اسلام (ص) بیان می‌دارند جدای از حکم عقلاً و عقل سلیم و فطرت انسان‌ها نیست و همواره در مسیر عقل سلیم و فطرت انسان‌هاست. مساله ترور و تروریسم که عملاً تعریف جامع و مانعی ندارد — بلکه تعریف ما از آن به نحو اظهر الخواص است — نزد عقلای تمام جوامع به‌عنوان امری ناپسند مطرح می‌شود و صرف نظر از کلیه شرایع، این امر نزد تمامی جوامع قبیح شمرده شده و مردود می‌باشد.

۳) برآیند تروریسم از دیدگاه اسلام

چنانچه بیان شد ادله و روایاتی در فقه اسلامی یافت می‌شود که اگرچه ممکن است به‌طور کامل مترادف مفهوم تروریسم به معنای امروزی نباشد ولی به روشنی دلیل بر محکومیت تروریسم از دیدگاه اسلام است. اسلام دین صلح و سازش است. در آیات و روایات بسیاری به این مهم اشاره شده و مرتکبین جرایم اخلاق در نظم و امنیت را مورد نکوهش قرار داده است. اسلام روابط انسان‌ها را قاعده‌مند کرده و آنها را از هتک حریم یکدیگر منع می‌کند. در اسلام، جان و مال تمامی انسان‌ها ارزشمند و محترم دانسته شده و نسبت به این امور حقوق متعددی وضع شده است. حقوقی که بسان جامه‌ای فاخر که از الیاف اخلاق و عدالت بافته شده، زینده‌تر از هر چیز دیگری تن عریان بشر را می‌پوشاند و انسان را از هر موجود دیگری که حیثیت وابسته به سبعت و وحشیگری است، ممتاز می‌دارد. اخلاق به‌عنوان هدف غایی اسلام که نشأت گرفته از شعور انسانی است، انسان را از سایر مخلوقات جدا ساخته و او را تا مقام خلیفه الهی سوق می‌دهد. اسلام حق حیات را صدرنشین تمامی حقوق بشری دانسته و آن را لازمه کرامت انسانی می‌داند و هر فعلی را که منجر به حذف این بنیادی‌ترین حق بشری گردد منع کرده و مورد نکوهش قرار می‌دهد. اسلام می‌خواهد بشریت زیر سایه آزادی، امنیت، نظم در امور و عدالت اجتماعی و هر چیز دیگری که مربوط به انسانیت است، زندگی کند. این امور بدون صلح و سازش فراهم نمی‌آید و آدمکشی و حمله به انسان‌های بی‌گناه و جنگ و ستیز ناحق، همه شئون ارزشمند انسانی را نابود می‌کند. بنابراین جنگ و ترور و فتک و غیله تحت هر عنوانی که باشد منشأ هلاکت بوده و تنها صلح و سازش است که می‌تواند منشأ نجات بشریت باشد.

تروریسم بین‌المللی — با تعریفی که از آن ارائه شد — دارای عناصر لازم است تا به‌عنوان یک جنایت بین‌المللی شناخته شود، چرا که این جرم به قواعد بنیادین جامعه بین‌المللی که رعایت آنها برای حفظ نظم عمومی بین‌المللی ضروری است، لطمه می‌زند. تروریسم از معدود جنایاتی است که توأمان قواعد حقوق بشر و صلح و امنیت

بین‌المللی را به‌عنوان دو محور اصلی نظام حقوق بین‌الملل خدشه‌دار می‌سازد. روشن است که این کارکرد برای توصیف تروریسم به‌عنوان یک جنایت بین‌المللی کفایت می‌کند؛ با این حال، حقوق بین‌الملل موضوعه تاکنون از شناسایی چنین توصیفی سرباز زده است. هیچ قاعده جهانی وجود ندارد که تعقیب جهانی متهمین به ارتکاب اعمال تروریستی را بدون وجود هرگونه رابطه‌ای با دولت تعقیب‌کننده مجاز بداند. این جرم یکی از مصادیق بارز جنایات شدید است که دارای اهمیت بین‌المللی است و تکلیف به مجازات یا استرداد متهمین به ارتکاب آن در بیش از ۲۱ کنوانسیون منطقه‌ای ضد تروریسم تضمین شده است، گرچه این تکلیف محدود به دولت‌هایی است که بتوانند وجود رابطه یا نقشی را با تعقیب مورد نظر اثبات نمایند.

ب) تروریسم از دیدگاه اسلام

چنانچه گفته شد هنوز تعریف جامع و مانعی از ترور ارائه نشده است تا بتوان به درستی آن را با مفاهیم موجود در فقه تطبیق داد. در فقه مفاهیمی همچون اغتیال، فتک و محاربه وجود دارد که هر چند ممکن است کاملاً مترادف معنای ترور نباشد، ولی به هر حال حاکی از مخالفت اسلام و قرآن با این افعال ناپسند و افعال مشابه آن است. حال، به توصیف اعمال ذکر شده پرداخته و آنها را با معنای اصطلاحی ترور و تروریسم تطبیق خواهیم داد.

۱) فتک

فتک به معنای قتل همراه با ناجوانمردی است. در روایاتی که در باب آداب جهاد آمده، بیان کرده‌اند که فتک نکنید و حتی در مخاصمات مردم را به صورت ناجوانمردانه نکشید. قضیه حضرت مسلم با عبیدالله بن زیاد مصداق آشکار این مورد است.

۲) اغتیال

در روایات، عناوین مختلفی در این باب آمده است: یغتل، اغتیال، اغتال. در باب قاعده لوٹ و قسامه و لزوم وجود این قاعده چنین آمده است که از حضرت صادق (ع) سؤال می‌شود که آیا قسامه حق است؟ حضرت در پاسخ می‌فرماید: اگر ما این نهاد را تشریع نمی‌کردیم همه می‌آمدند و اغتیال می‌کردند و بعد هم راهی برای اثباتش نبود. یعنی به راحتی در خفا دیگری را به قتل می‌رساندند و شهادتی هم نبود تا بینة عادلہ آورده شود. بنابراین قاعده لوٹ و قسامه مانعی است برای فعل اغتیال. یعنی از خوف اعمال این قاعده قتلی صورت نمی‌گیرد. (موسوی بجنوردی ۱۳۸۵ ج ۶: ۳۷۸).

۳) محاربه

در قرآن کریم واژه حرب و محاربه به معانی مختلف به کار رفته است. یکی از معانی آن همان مقاتله و جنگیدن است که موضوع بحث ماست. در تعریف محارب می‌توان چنین بیان کرد: محارب کسی است که اسلحه بکشد و قصد ترساندن مردم را داشته باشد و امنیت عمومی را به هم بزند. بنابراین به صرف کشیدن اسلحه کسی را محارب نمی‌نامند بلکه علاوه بر آن باید رعب و وحشت ایجاد کند و بنابر عقیده برخی از علما اخذ مال هم نماید. اگرچه برخی دیگر به مطلب اخیر اعتقاد ندارند و بر این باورند که اخذ مال تنها در کیفیت مجازات نقش دارد؛ یعنی اگر مالی را اخذ کند دست او قطع خواهد شد، والا احکامی چون نفی بلد شامل او می‌شود (موسوی بجنوردی ۱۳۷۶: ۱۵۹).

مقایسه نهادهای مشابه با ترور**۱) مقایسه فتک و ترور**

فتک این است که بر کسی غفلتاً یورش ببرند و او را بکشند، خواه با سلاح باشد یا نباشد و خواه در امور سیاسی باشد یا نباشد. پس فتک اعم از ترور است؛ یعنی ترور از مصادیق فتک است.

بنابراین فتک با ترور تفاوت دارد. طبق اصطلاح

دکتر لاریجانی:

دشمنان به دنبال ایجاد شرایطی برای فراموشی مساله فلسطین هستند

رییس مجلس شورای اسلامی با بیان این که دشمنان با ایجاد مشکلات و دغدغه های مختلف در جهان اسلام به دنبال فراموش شدن مساله فلسطین هستند، گفت: نیاز مردم فلسطین بیش از کمک هایی است که به آنها شده و امیدواریم در آینده مسلمانان به این مردم مظلوم بیشتر یاری برسانند.

دکتر علی لاریجانی در سومین نشست کمیته دائمی امور فلسطین نهمین اجلاس اتحادیه مجالس کشورهای عضو سازمان همکاری های اسلامی با یادآوری این مطلب که پیش از انقلاب اسلامی، شاه ایران رابطه نزدیکی با رژیم صهیونیستی داشت، افزود: اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی معادله کاملا فرق کرد و ارتباط مستحکمی با جهان اسلام برقرار شد و اولین گام برای برقراری این ارتباط تخلیه سفارت رژیم صهیونیستی و سپردن آن با حضور «یاسر عرفات» به ملت فلسطین بود.

رییس مجلس با بیان این که صحنه حوادث در جهان امروز به خصوص منطقه خاورمیانه نشان می دهد که دشمن به دو نقطه یعنی ایجاد مشکلات برای مردم مسلمان و ایجاد شرایطی خاص برای فراموشی مساله فلسطین تمرکز کرده اند گفت: نیازهای مردم فلسطین بیش از کمک هایی است که به آنها شده و باید تلاش کرد زمانی که رژیم صهیونیستی دچار ضعف و ناتوانی شده است مردم فلسطین را تقویت کنیم.

رییس مجلس شورای اسلامی افزود: حوادث ۱۰ سال گذشته نشان می دهد که رژیم صهیونیستی به خصوص در جنگ های مختلف دچار ناتوانی های فراوانی است و به همین دلیل با توجه به ضرورت شرایط این کمیته در سطح روسای پارلمان ها در نهمین اجلاس اتحادیه مجالس کشورهای اسلامی برگزار شود و امیدواریم نتایج خوبی نیز دربرداشته باشد.

پس از سخنان لاریجانی سفیر فلسطین نیز با اشاره به روند تاریخی حمایت ایران از مردم فلسطین گفت: جمهوری اسلامی برای جهان یک نقطه قوت و توانمندی است و شاید ایران با برخی از کشورها اختلافاتی درباره مسائل مختلف داشته باشد اما این اختلافات را می توان با گفت و گو حل کرد.

صلاح زاوی ادامه داد: باید با گفت و گو مشکلات کشورهای اسلامی حل شود تا بتوانیم به صورت یکپارچه درباره مساله فلسطین در جهان اسلام تصمیمات مهمی را اتخاذ کنیم.

وی ادامه داد: حضور سوریه نیز برای ادامه تداوم مبارزات مردم فلسطین لازم است و رژیم صهیونیستی به دنبال نابود کردن این محور و قطع کمک های مسلمانان به فلسطین است.

تصمیم گیری کنند.

وی ادامه داد: به عنوان مثال، بنده در طی سالهای گذشته در نوشتن کتابی، به دلیل مسایلی مانند در دست نبودن منابع مربوط، در اختیار نبودن منابع فارسی، متحمل شدن هزینه های سنگین به دلیل مسافرت به کشورهای دیگر برای جمع آوری اطلاعات و داده ها، متحمل مشکلات زیادی شدم. بنابراین، اگر تدبیری اندیشه شود که سوابق پژوهشی، زحمات و تلاش های یک مولف برای نوشتن یک اثر در نظر گرفته شود، بسیار موثر خواهد بود.

کتابهای «اسفنج نرم»، «انتفاضه شعبانیه» و «خوابگردها» و «احیاگر حوزه نجف: زندگی و زمانه آیت الله العظمی حکیم» از مهم ترین آثار منتشر شده از سوی صفاءالدین تبراییان است.

فهمی هویدی؛

تاریخ وجنایت های ژنرال های مصری

مرسی رئیس جمهور این کشور از سوی ارتش کشته شدند.

این تعداد از کشته ها بیشتر از تلفات حمله شیمیایی به سوریه بود که میزان کشتار آنها ۱۴۶۶ نفر اعلام شده است. اتفاقا حادثه کشتار بازداشتی های ابو زعبل در همان ماه آگوست روی داد که حمله شیمیایی به سوریه نیز در آن اتفاق افتاد. با همه سر و صداهایی که در سوریه ایجاد شد، اما در مصر هیچ اتفاقی در مورد کشته شدگان این اقدام نیفتاد و نه تنها رسانه های مصری بلکه سازمان های حقوق بشری نیز هیچ توجهی به این اتفاق نکردند.

عجیب این است که جامعه این اوضاع را پذیرفته و حتی برخی از گروه ها تحت تاثیر تحریک رسانه هایی که کشتار جمعی را اقدامی عجیب و زشت نمی دانند، کسانی که کشته شده اند را مستحق این سرنوشت می دانند. برخی از این گروه ها صرف اتهام وابستگی به اخوان و جانبداری از تروریسم را برای اینکه تمام حقوق انسانی و اخلاقی از انسان سلب شود کافی می دانند، برخی دیگر راه دیگر را رفته و اعتقاد دارند که کشتار این تعداد از تظاهرات کنندگان در انتقام کشته شدن تعدادی از نظامیان مصری است که در سینا کشته شده اند. گویا دولت مصر با کشتن تظاهرات کنندگان در میدان های رابعه العدویه یا التهضه از اقدامات تروریستی در صحرای سینا انتقام گرفته است. گویا ما باید در کشته شدن گروهی از مصری ها ناراحت باشیم؛ اما در کشته شدن گروهی دیگر که دیدگاه های سیاسی دیگری دارند، خوشحال شویم و آنها را دارای حق زندگی ندانیم. ما با مجموعه ای از رسوایی ها مواجهیم که تاریخ از آنها در صفحات خونین خود نام خواهد برد و در این حالت تنها عامل این کشتارها و جنایت کاران را محکوم نخواهد کرد، بلکه کسانی را که در برابر این اقدامات سکوت یا توجیه کرده و حتی با بیان و یا اشکی با آن ابراز هم دردی نکرده اند را نیز محکوم خواهد کرد.

پیام محوری «انتفاضه شعبانیه» اعتماد نکردن به بیگانگان است

وی به نمونه ای در این زمینه اشاره کرد و گفت: چنان که اعتراض «زلمی خلیل زاد»، سفیر آمریکا در مورد کاری که آمریکاییان در سال ۱۹۹۲ در مقابل مردم عراق کردند، در این رابطه بسیار قابل توجه است. بنابراین، این که ملت ها در قیام خود باید متکی به خود باشند، استقلال ملی و عملی خود را حفظ و به بیگانگان اعتماد نکنند، از جمله پیام های

محوری این اثر است.

لژوم ایجاد یک بانک اطلاعاتی برای نویسندگان کتاب سال

نویسنده کتاب «اسفنج نرم»، پیشنهادهایی برای برگزاری مراسم کتاب سال ارایه کرد و افزود: تقدیر از محققان داخلی و خارجی و دعوت از کسانی که به عشق ایران قلم می زنند، بسیار شایسته و قابل تقدیر است. هرچند جوایزی که به اهل قلم داده می شود، چندان از ارزش مالی برخوردار نیستند اما همان نیز در قدردانی از مولفان کفایت می کند.

تبراییان در ادامه سخنانش، ایجاد یک بانک اطلاعاتی برای مولفان و نویسندگان در مراسم انتخاب کتاب سال را پیشنهاد و در این رابطه توضیح داد: ایجاد یک بانک اطلاعاتی برای نویسندگان می تواند سوابق، فعالیت ها و ارزش کار نویسندگان مختلف را رصد تا برحسب آن ها تصمیم گیری شود. به طور مثال گاهی دیده می شود که نویسنده ای برحسب احساس تکلیفی که می کند، برای تالیف یک کتاب پنج تا شش سال زمان می گذارد تا بتواند کار شایسته و درخور توجهی را ارایه دهد اما داوران کتاب، توجهی به این مساله نمی کنند. بنابراین، هیات داوران باید کارنامه و رزومه نویسندگان و سوابق پژوهشی شان را مورد توجه و اهمیت قرار دهند و بر این اساس

می شدند که در تمام طول روز در مقابل زندان رها شدند و هنگامی که زندانیان به این موضوع اعتراض کردند، به سمت آنها گاز اشک آور پرتاب کردند که این گاز موجب کشته شدن آنها شد. از این ماجرا تنها ۸ نفر جان سالم به در بردند. در این جنایت تنها ۴ افسر پلیس به علت مسئولیت در ارتکاب این جنایت و اقدامات مشابه در یکی از دادگاه ها متهم شناخته شدند.

این رسوایی تنها در کشته شدن این تعداد نبود، بلکه رسوایی بیشتر زمانی بود که عاملان این اقدام نهایتا به سه تا هفت سال زندان محکوم شدند، این در حالی بود که دانشجویان دانشگاه الازهر که سعی کردند از در مخصوص مدیریت دانشگاه وارد شوند و به آن حمله کردند، جنایتکار توصیف شدند و دادگاه جنایی برای هر کدام از آنها ۱۷ سال زندان تعیین کرد.

البته در این میان مقایسه درست نیست، چرا که افسران پلیس بعد از این اتهام به مکان نامعلومی که احتمالا بیمارستان نظامی است، برده شدند. این بدان معنی است که رفتار با نظامیان مانند دیگر متهمان نیست و آنها تحت حمایت وزارت خود و دیگر همکارانشان هستند و در میان وکلا شایع است که آنها در نهایت با بازی با برگه های تحقیقات تبرئه شده و از زندان آزاد می شوند، این موضوع در موارد بسیاری که پلیس به اتهام کشتار انقلابیون متهم شده، روی داده است.

عجیب نیست که رسانه های مصری داستان کشته شدن این ۲۷ نفر را نادیده بگیرند، البته شاید بهتر باشد بگوییم حال و روز این کشته شده ها بهتر از دیگران بود، چرا که برخی بودند که هیچ کس نامی از آنها نبرد و روند قتل آنها باعث انجام هیچ تحقیقی نشد و هیچ نامی از آنها برده نشد. این افراد بالغ بر ۲۶۶۵ بودند که پایگاه خبری «ویکی ثوره» اسامی آنها را آورده است. این در حالی است که منابع اخوانی تعداد این کشته ها را ۳ هزار نفر اعلام کرده اند. این افراد در روند متفرق کردن تظاهرات و تحصن های مردمی بعد از عزل محمد

بسیار مهم بود که یک محقق ایرانی چنین موضوع مهمی را برای نخستین بار مورد واکاوی قرار داده است.

پس از گذشت ۲۱ سال از انتفاضه کتابی در این زمینه نداریم
این پژوهشگر تاریخ عراق در ادامه افزود: به علاوه، پرداخت مستند به همراه آوردن اسناد تصویری و پرداختن به آسیب هایی که به دلیل این ماجرا،

در عراق وارد شده و مهم تر از آن، توجه به این واقعه تاریخی بکر شاید از دلایل انتخاب این اثر به عنوان کتاب شایسته تقدیر بوده است.

تبراییان درباره اهمیت این کتاب گفت: نوشتن این کتاب، به قدری لازم و ضروری بود که سال گذشته در مراسم رونمایی آن، «حاج شیخ همام حمودی»، رییس کمیسیون امنیت ملی سیاست خارجی مجلس عراق و همچنین سفیر عراق در ایران حضور یافتند و همچنین پیام هایی نیز از رییس مجلس اعلای عراق درباره این کتاب آمد و به دنبال آن دستور سریعی مبنی بر ترجمه این کتاب به زبان عربی داده شد.

وی ادامه داد: وارد شدن اتهامات بزرگ به جمهوری اسلامی ایران مبنی بر اعزام نیرو، ارسال اسلحه و مواردی از این قبیل در تالیف این کتاب و انتخاب این موضوع نیز بی تاثیر نبوده است.

این تاریخ پژوه معاصر ایران، پیام محوری این کتاب را اعتماد نکردن به بیگانگان دانست و گفت: در ارتباط با انتفاضه ای که در عراق و به دنبال آن، خیانتی که از سوی کشورهای عرب با همکاری آمریکایی ها صورت گرفت و درخواست آمریکاییان از مردم عراق مبنی بر این که بر ضد حکومت صدام قیام کنند اما از پشت خنجرزدن آن ها به عراقیان، موضوع مهمی است که در این کتاب مورد لحاظ قرار می گیرد.

فهمی هویدی در مقاله ای در پایگاه خبری فلسطین الیوم نوشت: چندی قبل روزنامه ها، موضوع رسوایی جدیدی را برای آمریکا تیتتر کرده بودند که نیروهای دریایی ویژه آمریکا را در عکس هایی نشان می داد که جنازه تعدادی از سربازان عراقی را به آتش می کشیدند. این تصاویر نشان می داد که یکی از نظامیان مایع قابل اشتعالی را روی جنازه ها می ریخت و آنها را آتش می زد. در گزارش مربوط به این تصاویر آمده که این تصاویر از شهر فلوجه عراق در سال ۲۰۰۴ گرفته شده و وزارت دفاع آمریکا خواستار تحقیق در این مورد و مشخص شدن هویت سربازان عامل این اقدامات شده است.

چیزی که توجه من را جلب کرد، میزان توجه روزنامه های مصری به این خبر بود، من بعید نمی دانم که پرداختن گسترده به این موضوع برای این است که از آن رسوایی برای محکوم کرد دولت آمریکا به علل مختلف استفاده شود. عواملی که از سوی رسانه های مصری تا حد اتهام زنی به آمریکا در ترور عبدالفتاح السیسی نیز پیش رفته است. این در حالی است که ابعاد همکاری های اخوان المسلمین با دولت آمریکا تنها از طریق رسانه های مصری بود که فاش شد!

من از این اقدام نظامیان آمریکایی در مورد جنازه های عراقی تعجب نمی کنم، چرا که آمریکا دولتی است که بعد از کشتار جمعی سرخ پوستان به عنوان ساکنان اصلی سرزمین آمریکا روی کار آمده است. این اقدام آنها نمونه ای ساده از جنایاتی است که انسان را به یاد اقدامات آنها در قبال سرخ پوستان می اندازد و در تحلیلهای زیادی از جمله کتاب منیر العکش با عنوان آمریکا و کشتارهای جمعی مطالب مستند آن آورده شده است.

این توجه رسانه های مصری مرا به یاد نادیده گرفتن کامل رسوایی کشته شدن ۳۷ شهروند بی گناه بر اثر خفگی ناشی از استنشاق گاز اشک آور انداخت که شش ماه پیش روی داد. این افراد با خودروی دادگاه که حسابی هم پلمپ شده بود به زندان ابو زعبل منتقل

اینجا: صفاءالدین تبراییان، نویسنده و پژوهشگر تاریخ معاصر می گوید: «انتفاضه شعبانیه» نخستین کتابی است که انتفاضه عراق را تشریح می کند. پیام محوری کتاب این است که ملت ها در قیام باید متکی به خود باشند، استقلال ملی و عملی را حفظ کنند و به بیگانگان اعتماد نکنند

کتاب «انتفاضه شعبانیه» به قلم صفاءالدین تبراییان به عنوان شایسته تقدیر در سی و یکمین دوره کتاب سال جمهوری اسلامی ایران انتخاب شد.

وی به کلیات این کتاب و مسایلی که به آن پرداخته شده، اشاره کرد و گفت: این کتاب درباره جنگ دوم عراق به کویت، اشغال این کشور در عرض سه ساعت و ماجراهایی است که به دنبال آن به وجود آمد، همچنین شهادت نیم میلیون نفر عراقی، هتک حرمت به افراد و شخصیت های مهم، حمله به عتبات عالیات و دستگیری «آیت الله ابوالقاسم خویی»، مرجع اعلای شیعه و موضوع هایی از این قبیل، مسایلی هستند که در این کتاب مورد بحث قرار گرفته اند.

تبراییان افزود: در واقع این کتاب، تحلیل و کالبدشکافی مسایلی چون شکست انتفاضه عراق، چگونگی به دست مردم افتادن ۱۴ استان عراق در زمان بسیار کوتاه، چرایی احساس خطر کردن کشورهای مرتجع عرب منطقه در این ماجرا، نقش سازمان مجاهدین خلق در این قضیه و مهم تر از همه موضع گیری جمهوری اسلامی ایران به خصوص مقام معظم رهبری است.

وی نظرش درباره علت انتخاب این کتاب در جایزه کتاب سال را این گونه عنوان کرد: این اثر، نخستین کتابی است که انتفاضه عراق را تشریح و بررسی می کند و نکته مهمی که درباره این کتاب وجود دارد، این است که هنوز پس از ۲۱ سال از گذشت انتفاضه، تاکنون در این زمینه کتابی نه به زبان فارسی و نه به زبان عربی نوشته نشده است و برای خود عراقی ها هم این قضیه



نشریه مرکز بررسی‌های اسلامی

دوهفته‌نامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: سیدهای خسروشاهی

سردبیر: سید محمود خسروشاهی

دفتر مرکزی: قم / خیابان شهدا (مفائیة) / نبش ممتاز

تلفکس: ۰۲۳۳۷۴۱۴۳۷۴ صندوق پستی: ۱۳۶ چاپ: ولیعصر

پست الکترونیکی: besatonline@gmail.com

معرفی کتاب مرکز اسناد انقلاب اسلامی

صخره سخت بررسی پرونده‌های امنیتی در جمهوری اسلامی (۱۳۵۹-۱۳۵۷)

تألیف: محمدحسن روزی طلب

معرفی کتاب: دستگاه‌ها و نهادهای امنیتی و نظامی حکومت پهلوی با سرنگونی رژیم از هم پاشیده یا در معرض انحلال بودند و عملاً مملکت به دست انقلابی‌ها افتاد. ارتش که در بحبوحه‌ی انقلاب به مردم پیوسته و در ادامه راه نیز به خدمت انقلاب درآمده بود، مورد بغض و عناد گروهک‌های وابسته به شرق و غرب قرار گرفت. در چنین شرایطی تأسیس نهادهای امنیتی نیز چندان سهل و ساده نبود، زیرا هم نفوذ اعضای گروهک‌ها در آن نهادها محتمل بود و هم اینکه مبارزان انقلابی تجربه و سابقه‌ی چندانی در این عرصه نداشتند. به علاوه در روزگار مبارزه با رژیم، گروه‌های زیادی با خطمشی مختلف فعالیت می‌کردند که بعد از پیروزی انقلاب تمامی این گروه‌ها خود را صاحبان اصلی انقلاب قلمداد می‌کردند. اگر به این شرایط توطئه‌های دشمنان خارجی و تحریک احزاب و گروه‌های قومی نیز اضافه شود، دشواری شرایط سال‌های اولیه انقلاب روشن‌تر می‌گردد. مجموعه‌ی پیشرو با نگاهی دقیق و ژرف‌کاوانه به دغدغه‌های انقلابی‌ها از فرادای پیروزی انقلاب، درصدد ترسیم فضا و شرایط به وجود آمدن نهادهای امنیتی انقلاب و چگونگی عملکرد آنها در آن شرایط دشوار تاریخی است. نویسنده با نگاهی جدید و جستجوی وسیع در منابع مختلف مروری دقیق بر حوادث و موضوعات امنیتی دو سال ابتدایی انقلاب دارد و ضمن آن به توضیح عملکرد احزاب، گروه‌ها و شخصیت‌ها در قبال تحولات مختلف سال‌های نخست پیروزی انقلاب پرداخته است.

وزیر ارشاد در مراسم معارفه رئیس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ایران:

فرهنگ ایران، مدیون تلاش‌های دکتر مهدی محقق است

او ادامه داد: آقای دکتر محقق خود صاحب‌خانه هستند، کاملاً اینجا را می‌شناسند و ان شاءالله بر همان سنت و سیره قبلی فعالیت خواهند کرد. ما هم در خدمت ایشان هستیم. از آقای جنتی هم تشکر می‌کنم از اینکه دوباره استاد محقق را به خانه خود بازگرداندند و ما را هم به خانه خود برگرداندند.

به گزارش ایسنا، دکتر مهدی محقق، رئیس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، نیز در آیین معارفه خود عنوان کرد: آشنایی من با انجمن تازگی ندارد. در سال ۱۳۳۷؛ یعنی ۵۵ سال پیش، مرحوم همایی مرا به مرحوم سپهبد عبدلی معرفی کردند و فرمودند من دیگر پیر شده‌ام، نیرویی جوان آوردم که همان استفاده‌ای را که از من می‌کنید می‌توانید از او داشته باشید. از این جهت مرحوم سیدتقی مصطفوی در برگزاری بزرگداشت‌ها با من مشورت می‌کردند بعداً من فکر کردم حال که استاد محبت کرده‌اند و من را به انجمن معرفی کرده‌اند بهتر است خودم هم کارهایی انجام بدهم و تصحیح چند کتاب را آغاز کردم.

دکتر محقق ادامه داد: بعد همیشه در فکر بودم که فرصتی برای تکریم علما فراهم شود. ما این کار را پیش از انقلاب آغاز کردیم در سال ۱۳۵۵ مجلسی برای تجلیل از استاد همایی برگزار شد. ایشان که تا روز بازنشستگی از خانه بیرون نیامده بود از دیدن جمعیتی که برای تجلیل از او آمده بودند خوشحال شد. شاگردان او به پابوسی استاد آمده بودند. من معتقد بودم این مجالس بر نسل جوان تاثیر می‌گذارد. ما از بی‌احترامی به اهل علم نتیجه‌ای نمی‌گیریم. در فرهنگ ما تجلیل از اهل علم نهادینه شده است.

او در بخش دیگری از سخنانش گفت: علما همواره مورد حسد هستند. دانشمندان در آغاز کتاب‌هایشان همیشه از جهالت در روزگار خود شکایت داشتند.

آقای محقق همچنین عنوان کرد: ما همیشه همکارانمان را در اینجا تشویق کرده‌ایم و گفته‌ایم که اینجا یک موسسه علمی است نه اداری. در اینجا کتابی در مقایسه هایدگر با ملاصدرا و کتابی در مقایسه ملاهادی سبزواری با سارتر چاپ کرده‌ایم اینها به نسل جوان قوت قلب می‌دهد.

نمی‌تواند هویت خود را حفظ کند. در کشور ما این حس ضعیف است ما باید این احساس را تقویت کنیم گاهی که می‌خواهیم درباره بزرگان خود تحقیق کنیم می‌بینیم که مشکل اسناد و مدارک داریم. امروز اگر کسی بخواهد درباره پروین اعتصامی تحقیق کند داشته‌های او بسیار اندک است و بزرگان تاریخ ما تنها شخصیتی که از زندگی او اطلاعاتی داریم مولانا است. درباره سعدی و دیگر بزرگان این طور نیست. حتی مشخص نیست که قبر شخصیتی مانند ملاصدرا در کجا است.

دکتر حدادعادل همچنین عنوان کرد: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی که ادامه انجمن مفاخر فرهنگی است چند ده سال پیش به خاطر چنین نیازهایی شکل گرفته است. این انجمن ابتدا عهده‌دار وظایف سازمان میراث فرهنگی بوده است. بعداً سازمان میراث فرهنگی به نهادی مستقل تبدیل شده اما بزرگداشت شخصیت‌ها در همین ساختمان که خود جزو میراث فرهنگی است ادامه پیدا کرده است. او افزود: در سال‌های اخیر مدیریت این موسسه به دست دکتر محقق سپرده شد و انصافاً با حضور طولانی ایشان در دانشگاه تهران و محیط‌های علمی، شخصیت‌شناسی از هنرهای ایشان بود. ایشان یا استاد یا شاگرد و یا هم دوره دانشمندان و رجال خدمت‌گزار بوده‌اند. آقای دکتر محقق در شناخت افرادی که در این موسسه تکریم شدند خبره بودند و توانستند عده‌ای از رجال سالخورده را که بعضاً فراموش شده بودند دعوت کنند و با تکریم آنها باعث دلگرمیشان شوند. کار ایشان بسیار شایسته بود و من همیشه به حضور در جلساتی که برای تکریم بزرگان برگزار می‌شد افتخار می‌کردم. تعدادی از این بزرگان بودند که آخرین کسی که از آنها تقدیر کرد آقای دکتر محقق در انجمن آثار و مفاخر فرهنگی بود مثلاً مرحوم احمد آرام و یا علی قلی بیانی. بیانی از مهمترین استادان سدسازی و استاد منطق، فلسفه و ریاضیات بود اما سال‌ها کنج خانه مانده بود. دکتر محقق که او را می‌شناخت با حضور وزیر نیرو از او تقدیر کرد. وقتی آقای بیانی به اینجا آمدند خودشان گفتند عجیب است که خدمت‌هایم را به آن رژیم کرده بودم و این حکومت از من تقدیر می‌کند. اینها ارزش بود و دکتر محقق این کارها را انجام می‌داد.

ادامه از صفحه اول

آقای جنتی سپس توضیح داد: من حدود سه ماه پیش توفیق صحبت از نزدیک را با جناب دکتر محقق داشتم اما به دلیل فرآیند انتخاب اعضای هیات مدیره، این کار قدری به درازا انجامید و من از ابتدای خدمت در وزارت ارشاد همواره نگران وضعیت انجمن در ماه‌های اخیر بودم. خوشبختانه پس از این مدت با تأیید رئیس جمهور اعضای هیات امنا، جمعی از فرهیختگان و بزرگان اهل نظر به عنوان اعضای هیات مدیره انجمن انتخاب شدند که من از همه آنها به خاطر پذیرش این مسئولیت صمیمانه سپاسگزاری می‌کنم و اطمینان دارم که در اداره انجمن و کارهای زمین مانده آن بازوی توانمندی برای دکتر محقق خواهند بود.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی پس از ارائه این سخنان حکم مدیریت مهدی محقق به عنوان رئیس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی و همچنین کاظم موسوی بجنوردی، حسن شهرستانی، محمدمهدی مظاهری و علی اکبر رزمجو را به عنوان اعضای هیات مدیره به آنها اعطا کرد.

دکتر غلامعلی حداد عادل با تأکید بر مخالفتش با تغییر رییس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی در دولت قبل، گفت در این سال‌ها هرگز وارد انجمن نشده و از علی جنتی برای بازگرداندن مهدی محقق به انجمن تشکر کرد. غلامعلی حداد عادل، گفت: خوشحالم که بازگشت استاد محقق به خانه خودش در این ایام فرخنده اتفاق می‌افتد. برای بنده و سایر اعضای فرهنگستان که جمعی از آنها در این جلسه حضور دارند مایه خوشوقتی است که دوباره شاهد فعالیت دکتر محقق در این انجمن باشیم. او ادامه داد: تاریخ برای ملت‌ها در حکم حافظه برای افراد است ملتی که از تاریخ خود بی‌اطلاع باشد مثل فردی است که حافظه‌اش را از دست داده است. حافظه جمعی یک ملت از عناصر گوناگونی تشکیل شده است که بخشی از آن میراث فرهنگی یک کشور است و بخشی هم شخصیت‌های تاریخی و بزرگان آن کشورند. داشتن حس تاریخ آگاهی از نشانه‌های فرهیختگی هر ملت است. ملتی که نسبت به گذشته خود حساس نباشد و از تاریخ خود آگاهی نداشته باشد فرهیخته نیست و

نقد و نظری بر تازه ترین کتاب منتشر شده استاد دکتر حسین رزمجو

مظهر پاکی و بری ز جفاست

راه وی نور و رستگاری و فوز

هم طریقِ سعادتِ عقبات

علی عالی جانشین وی است

خلق را بعد احمد(ص) او مولاست

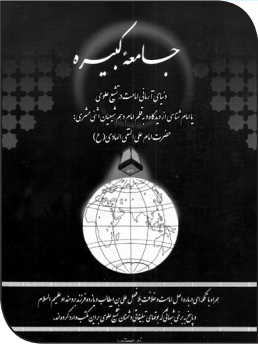
این مقامش بداده روز غدیر

کردگار جهان که بی همتاست

و بیان نکته هایی در بخش تکمله نظیر: علی شخصیت و رهبر والا و یکتایی ست که همه مسلمانان جهان باید او را از نو بشناسند یا بحثهایی نظیر وجیه الله بودن امام علی(ع) و برتری اش بر کلیه صحابه و اعضای خاندان پیامبر(ص). این که او رهبر واقعی است که آنچه خوبان همه دارند او به تنهایی داراست و مبحث عظمت امام علی(ع) در چشم پیامبر(ص) و بیان این نکته که در میان صحابه پیامبر این تنها علی ست که ریشه در جاهلیت ندارد یا هیچگاه بت پرست نبوده و به طور کلی روش مستدل نویسنده که به کلیه شبهات وارد به تشیع علوی جاذب، شیوا و مستند جوابگوست و در واقع کتابی را تدوین کرده است با مطالبی نو و تازه و شیوه ای دلپذیر و خواندنی که سزوار است به زبان های دیگر مخصوصاً به عربی و انگلیسی ترجمه شود تا خوانندگان زیادتری از مسلمانان از آن بهره مند شوند. با آرزوی توفیق بیشتر برای ایشان.

۱- برای آشنایی با شواهد اینگونه بحث های به دور از مجادله احسن، رک، ص ۱۲۸ جامعه کبیره

نشریه بعثت



آنان که مرتکب ظلم و ستم شده اند...» خوشبختانه در سراسر بحثهای ارائه شده در ذیل جامعه کبیره روش نویسنده محترم آن به رغم مجریان بی خبر ماهواره های ضد تشیع وهابی گرا که رعایت عفت کلام و ادب را در گفتارها و مجادلاتشان ندارند(۱). نوشتارهای نویسنده کتاب در بحث مبتنی بر شیوه مجادله احسن و رعایت اخلاق و عفت کلام است و اگر احیاناً در یکی دو مورد قلم نگارنده سرکنشی

کرده و خشمگین با افرادی خاص مواجه شده است، یقیناً آنان را مصادیقی یافته که در آیه مذکور خداوند ایشان را با تعبیر «ظلموا» مستثنی فرموده است. و چون مبارزه و مقابله با عواملی که به تحریک بیگانگان هدفشان بر هم زدن وحدت مسلمانان و ایجاد شکاف و تفرقه در صفوف محکم دو جناح برادر سنی و شیعه است، وظیفه همه دین باوران فرهیخته منسوب به این دو فرقه است که با روش مجادله احسن با آنان مقابله کنند و به ایشان بفهمانند: که تحرّی حقیقت و رسیدن به سر منزل حق راهش این نیست که تاکنون رفته اند و متأسفانه چون این گروه در داوری هایشان تنها به قاضی می روند طبیعی است که خوشحال برمی گردند و خیال پرزازی های واهی خویش را درست و حق می پندارند در حالی که شیوه پسندیده و درست برای نجاششان این است که اعترافات و پرسش هایشان را برای درک حقایق از جوامع رسمی، متشکل از خبرگان دین باور بفرستند و یا در جوامعی نظیر مجمع تقریب مذاهب اسلامی که

پنجمین اثر از سلسله منظومه های هفتگانه ایشان که موضوع آنها جستجوی انسان کامل و عرفان ناب اسلامی است. یا ترجمه های منظوم و منثور از جامعه کبیر: «با دنیای آرمانی امامت و تشیع علوی» اثری ست درباره امام شناسی به قلم امام علی النقی، معصوم دهم است همراه با تکمله و ذیلی درباره اصل امامت و خلافت بلافصل امام علی بن ابیطالب(ع) و پاسخ به برخی از شبهاتی که بوق های تبلیغاتی ماهواره ای دشمنان شیعه امامیه اخیراً بر این مکتب راستین وارد کرده اند این کتاب که اخیراً در ۳۳۰ صفحه تدوین شده و توسط انتشارات قاف در شهر مقدس مشهد به زیور طبع آراسته گردیده و با رباعی زیبایی ذیل که در آغاز آن آمده حسن مطلعی جالب یافته است که مطالعه می فرمایید:

چراغ معرفت رهبری کل جهان:

که با محمد و آتش ز حق شده تابان: برای مردم آزاده فضیلت جو:

بود اساس عقیدت و پایه ایمان:

نویسنده فرزانه کتاب مورد بحث که سابقه ای افزون بر پنجاه سال در کار تحقیقات اسلامی و تألیف و تصنیف دارد و تاکنون بیش از چهل جلد کتاب مفید و خواندنی را به دوستداران فرهنگ اسلامی تقدیم داشته و همانطور بر خود در آغاز بحث های صفحات ۱۲۷ و ۱۲۸ کتاب مذکور با عنوان روش غیر معقول و دور از ادب مدعیان ضد تشیع علوی در گفتارهای تبلیغی شان نگاشته است: خداوند در آیه چهل و ششم سورة مبارک العنکبوت / ۴۹، به تصریح فرموده است: «ولا تجادلوا اهل الکتاب الا بالتی هی احسن الا الذین ظلمو منهم..» ای اهل کتاب جز به روشی که از همه نیکوتر است مجادله نکنید مگر با